

ارجمین پای سفید

مجموعه سخنرانی روشمند ویژه مبلغین اربکین



کاری از معاونت پژوهش امیربیان فارس







پای سفرهٔ اربعین

ویژهٔ پیاده‌روی اربعین (منبرک)



پای سفرهٔ اربعین

- به سفارش: اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی
- کاری از: معاونت پژوهش مؤسسه امیربیان (شعبه فارس)
- پژوهشگران: احمد زارعی، محمد هادی خوشبویی، محمد حسن جمال زاده، سعید آزاده
- ویراستار: عابد بدخشان
- مدیر هنری: محمد صادق صالحی
- صفحه آرا: موسی محمدآبادی
- طراح جلد: محمد جواد امیریان
- سال انتشار: ۱۴۰۲



سازمان تبلیغات اسلامی

سامانهٔ شمع

shabaketabligh.ir

۰۲۵-۳۲۹۰۹۵۵۰

مرکز پخش کتب اداره راهبری محتوای تبلیغی

آدرس: قم، بلوار امین، کوچه ۸، فرعی سوم، پلاک ۲

ایتای اداره راهبری: rahbary_mohtava

https://eitaa.com/rahbary_mohtava

شماره تماس: ۰۲۱۹۱۳۰۳۲۲ داخلی ۴

شماره همراه: ۰۹۳۰۷۸۱۳۰۵۷

۱۱ مقدمه

مقدمه

۱۱

بخش اول

۱۳ **مسیر منتهی به نجف**

۱۵ **حماسه جهانی**

۱۵ رکورد جهانی اربعین

۱۶ اربعین پدیده‌ای معجزه‌آسا

۱۶ نقشه دشمن برای مقابله با اربعین

۱۸ حربه تعصبات قومی و قبیله‌ای

۱۹ تلاش حاج قاسم در حفظ اتحاد

۲۰ صف‌بندی جبهه دشمن

۲۱ هم‌عهد شدن

۲۲ رعایت فرهنگ مردم عراق

۲۲ روضه

بخش دوم

۲۵ **نجف اشرف**

۲۷ **طنین عشق و دلدادگی!**

۲۷ دل در گرو علی

۲۸ وابستگی عمل به نیت

۲۹ روایت جابر از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کنار قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام

۳۰ آرزوی همراهی ابی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام در کربلا

۳۱ شرط دل‌دادگی در مسیر حسین عَلَيْهِ السَّلَام

۳۱ میثاق با مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

۳۲ نقش همدلی و اخوت در ظهور



۳۳ روضه

بخش سوم

۳۵ در مسیر پیادویی

۳۷ لحظه‌های ناب

۳۷ نامعلومی تکرار فرصت اربعین

۳۸ نهایت بهره‌مندی از فرصت ناب اربعین

۴۰ راهکارهای بهره‌برداری حداکثری

۴۰ شناخت آداب زیارت؛

۴۲ روضه

۴۳ پاداش بی‌بدیل

۴۳ سرّ پاداش‌های بی‌حد و مرز

۴۵ در مقیاس حسین علیه السلام

۴۶ پادشاه منصف

۴۷ خاکساری در محضر خدا

۴۷ توصیه شهید توانا به شهید حسن‌زاده

۴۸ تمام سرمایه در میدان عمل

۴۹ عزیز شدن در محضر خدا

۴۹ راه عزیز شدن

۵۰ روضه

بخش چهارم

۵۳ کربلای مقدسه

۵۵ عقد اخوت

۵۵ زندگی با زیارت عاشورا

۵۶ سیلم در زیارت عاشورا

۵۷ توصیه به اتحاد امت اسلام

۵۸ حسین علیه السلام، حلقه وصل

۵۹ تلاش حاج قاسم سلیمانی در راستای اتحاد

۵۹ خاطره خلبان جمعی از سردار سلیمانی

۶۰ نیاز امت اسلام به اتحاد و همدلی

۶۱ آمادگی برای یاری مهدی فاطمه علیها السلام

۶۲ پیمان اخوت

۶۲ روضه

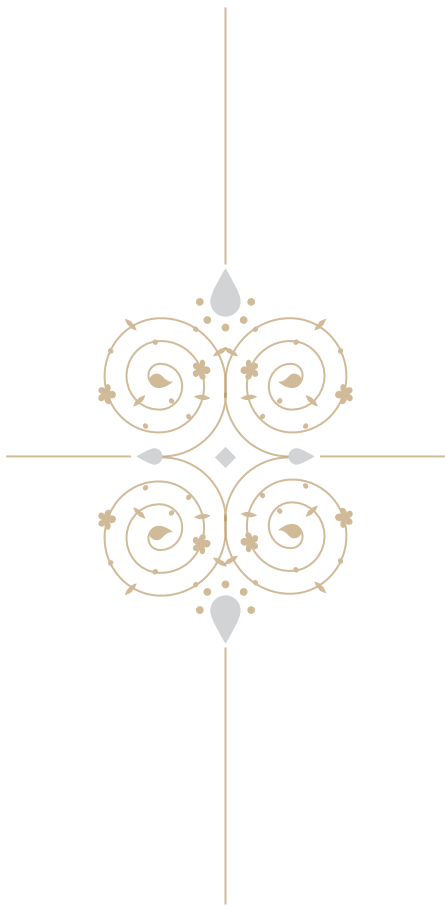
۶۵ تاریخ عبرت‌ساز





- ۶۵ عاشورا در نگاه رهبری
۶۶ تاریخ گذشته در قالب داستان در قرآن کریم
۶۶ قرآن و بیان تاریخ
۶۷ توصیه امیرالمؤمنین علیه السلام به مطالعه تاریخ
۶۷ اشتباه تاریخ با قصه
۶۸ تکرار تاریخ کربلا
۶۸ داستان هرثمه
۶۹ داستان بشیربن عمرو حضرمی
۷۰ نتیجه عدم آمادگی
۷۰ عرضه خودمان به کربلا
۷۱ روضه
۷۳ **من شیعه‌ام؟!**
۷۳ روایت امام عسکری از زاویه‌ای دیگر
۷۴ اثبات شیعه بودن
۷۴ تحلیل روایت امام عسکری علیه السلام
۷۵ شیعه در کلام امام صادق علیه السلام
۷۵ عدم پذیرش ما از ناحیه اهل بیت علیهم السلام
۷۶ ادای حقوق برادران دینی
۷۷ تعامل برادرانه
۷۸ روضه
۸۱ **کتابنامه**





مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ
(أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَ بَيْتِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ لَجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ

مقام معظم رهبری در معرفی اربعین حسینی می فرمایند:

«حقاً و انصافاً باید گفت حادثه اربعین، این پیاده روی، این حضور همگانی مردم مسلمان، یک پدیده معجزه گون و معجزه آسا است. این یک چیز طبیعی نیست. با هیچ ترتیبی، با هیچ تدبیری، با هیچ دستی، با هیچ سیاستی امکان نداشت و امکان ندارد یک چنین حادثه ای پیش بیاید؛ این فقط دست خدا است. خب، این مژده است. این برای من و شما مژده و بشارت است. پیدا است که دست خدای متعال در حال اقدام برای پیشرفت داعیه اسلام خواهی و اسلام گرایی است و پرچم اسلام اهل بیت را روزبه روز خدای متعال دارد بلندتر می کند. این نشانه آن است که راه پیش روی ما راه روشنی است، ان شاء الله راه پیمودنی است.»

از سخنان ایشان درمی یابیم که خداوند اربعین را فرصتی قرار داده برای

پیشرفت داعیهٔ اسلام خواهی و اسلام گرایی به پرچم داری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام؛ و ما امروز به عنوان مبلغین دین و به عنوان داعیه‌داران مکتب حسین علیه السلام و سربازان در میدان امام عصر ارواحنا له الفدا می‌بایست از این فرصت پیش آمده نهایت بهره‌برداری را داشته باشیم؛ نباید از کنار این موقعیت بسیار مهم و احساس و گرانبها به راحتی بگذریم؛ فرصتی با حضور میلیون‌ها زائر مشتاق کوی حسین علیه السلام با قلب‌هایی آمادهٔ دریافت معارف نورانی دین؛ جمعیتی که امکان تجمع آن‌ها به این وسعت برای ما میسر نبوده و نیست؛ لذا می‌بایست این فرصت را غنیمت شمرده و تمام توانمان را برای آشنایی آن‌ها با معارف دین و اثرگذاری حداکثری به کار گیریم.

کتاب پیش روتلاشی در راستای انتقال معارف دین، به مخاطبین این سفر معنوی، توسط مبلغین موفق به حضور در این مسیر نورانی است. این اثر متشکل از هفت جلسه سخنرانی روشمند است که شامل چهار بخش می‌باشد؛

بخش اول مربوط به مسیر منتهی به نجف؛

بخش دوم مربوط به خود نجف اشرف؛

بخش سوم مربوط به مسیر پیاده‌روی؛

بخش چهارم مربوط به کربلای معلی؛

امیدواریم این اثر مورد استفاده مبلغین عزیز و توجه حضرت امام حسین علیه السلام واقع شود.



بخش اول

مسیر منتهی به نجف



حماسه جهانی

بازتاب جهانی اربعین و تلاش دشمن برای ایجاد تفرقه بین امت اسلام

رکورد جهانی اربعین

پیاده‌روی اربعین یک تجمع شیعی کم‌نظیر در عالم است و امسال توفیق حضور در آن را داریم. جالب است بدانید پیاده‌روی اربعین شش رکورد جهانی دارد:

- طولانی‌ترین راهپیمایی جهان است.
- بین‌المللی‌ترین رویداد مذهبی است؛ زائرین از حدود هفتاد کشور جهان در آن حضور دارند، از جمله: سوئد، دانمارک، آمریکا، انگلستان، اتریش، فنلاند، آرژانتین، کلمبیا، روسیه و استرالیا.
- بزرگ‌ترین مراسم اطعام در دنیا است.
- بزرگ‌ترین نماز جماعت جهان در این مراسم برگزار می‌شود.
- بیشترین کار داوطلبانه و جهادی در این مراسم انجام می‌شود.
- متکثرترین آیین مذهبی جهان است. در این مراسم فقط شیعیان



حضور پیدا نمی‌کنند، بلکه از مذاهب و ادیان دیگر هم در این مراسم شرکت می‌کنند.

اربعین پدیده‌ای معجزه‌آسا

مقام معظم رهبری در مورد پیاده‌روی اربعین تعبیر بسیار قابل توجهی دارند؛ ایشان می‌فرمایند:

«حَقّاً و انصافاً باید گفت حادثه اربعین، این پیاده‌روی، این حضور همگانی مردم مسلمان، یک پدیدهٔ معجزه‌گون و معجزه‌آسا است. این یک چیز طبیعی نیست! با هیچ ترتیبی، با هیچ تدبیری، با هیچ دستی، با هیچ سیاستی امکان نداشت و امکان ندارد یک چنین حادثه‌ای پیش بیاید. این فقط دست خداست!»^۱

رهبر بزرگوارمان از این پیاده‌روی با عنوان پدیدهٔ معجزه‌گون و معجزه‌آسا تعبیر می‌کنند. واقعاً معجزه است! چه کسی می‌تواند سی میلیون آدم را از سراسر جهان، آن هم در این گرمای سوزان یکجا جمع کند؟! و از آن طرف خدمات مردمی که به این همه زائر داده می‌شود.

نقشه دشمن برای مقابله با اربعین

امروز دشمن دو هدف مهم را در مقابل این جبهه‌ای که شکل گرفته است، دنبال می‌کند. هدف اول، ایجاد تفرقه بین مسلمانان است. دشمن با توسل به حربه‌های مختلف درصدد ضربه زدن به این اتحاد و همدلی است که شیعیان زیر پرچم حسین علیه السلام پیدا کرده‌اند. امام علی علیه السلام تفرقه و اختلاف را باعث بهره بردن شیطان برشمرده‌اند و می‌فرمایند «وَالزُّمُو السَّوَادَ الْأَعْظَمَ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ، فَإِنَّ السَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ السَّادَّ مِنَ الْعَمِّ لِلذَّبِّ»؛^۲ (به جمعیت عظیم مسلمانان پیوندید،

۱. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، دفتر حفظ نشر و آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به

آدرس: <https://khl.ink/f/۵۰۹۴۴>

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.



که دست خدا (قدرت و عنایت خدا) با جماعت است، و از پراکندگی دوری کنید؛ زیرا آن‌که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره‌ شیطانی است؛ چنان‌که گوسفند از گله درماند، نصیب گرگ بیابان است.) و لذا شعار امروز استکبار جهانی این است که تفرقه بینداز و حکومت کن.

هدف دوم دشمن، مقابله با جریان‌سازی جبهه مقاومت است. راهپیمایی اربعین یکی از بزرگ‌ترین حرکت‌های معنوی، سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود که از آن به‌عنوان قدرت نرم جبهه مقاومت یاد می‌شود؛ چراکه در این راهپیمایی تجمع اقوام و ملیت‌های مختلف در زیارت اربعین موجب شکل‌گیری تأثیرات فرهنگی و اجتماعی دوجانبه و چندجانبه میان زائران و به‌ویژه شیعیان می‌گردد. این چیزی نیست که دشمن به‌دنبال آن باشد، به همین دلیل تمام سعی‌اش را به کار می‌گیرد که اخبار این حادثه بزرگ انعکاس پیدا نکند؛ لذا برای مقابله هزینه می‌کند و رسانه‌ها و نیروها را به‌خط می‌کند. نمونه‌اش همین اربعین سال گذشته است که مرتب‌خبر از این طرف و آن طرف می‌رسید که به داد زائرین ایرانی برسید! امسال موبک‌های عراقی، ایرانی‌ها را تحویل نمی‌گیرند و زائرین با مشکل شدید غذا و اسکان روبه‌رو هستند. در حالی که این اخبار به‌هیچ‌وجه صحت نداشت.

بعد از آنکه شاهد حضور بی‌نظیر و پُرشور مردم در این مراسم بودیم، قضیه مهسا امینی را پیش آوردند و آن‌قدر روی آن مانور رسانه‌ای دادند که حادثه اربعین و این تجمع قریب سی‌میلیونی که می‌توانست مثل توپ صدا کند را به‌طور کامل تحت‌الشعاع قرار داد.

عزیزان! دشمن تمام توانش را به میدان آورده است تا در مقابل جبهه امام حسین علیه السلام قد علم کند؛ دائماً رصد می‌کند و به هر وسیله‌ای متوسل می‌شود تا این حرکت بزرگ را تضعیف یا کم‌رنگ نماید و این کار دشمن مسئولیت ما را سنگین‌تر می‌کند.



حربه تعصبات قومی و قبیله‌ای

یکی از حربه‌هایی که دشمن در طول تاریخ برای ایجاد تفرقه از آن بهره گرفته است، تعصبات قومی، قبیله‌ای و نژادی است. پیامبر گرامی ما، حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَزْدَلٍ مِنْ عَصَبِيَّةٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ»؛ (کسی که در قلبش به اندازهٔ دانه خردلی عصبیت باشد، خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلیت محشور می‌کند.)

دشمن در قیام مختار - که قبر ایشان را در کوفه زیارت خواهید کرد - نیز از همین حربه برای از هم پاشاندن سپاه استفاده کرد و این نشئت گرفته از تلقینات دوران حکومت معاویه بود. در زمان امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام افرادی مانند اشعث بن قیس کندی نیز بی‌محابا به اعتراض می‌پرداختند و از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌خواستند که با ایرانیان مشورت نکند و به آن‌ها اعتبار اجتماعی و سیاسی ندهد.^۲

زائران کوی حسین! تاریخ دائماً در حال تکرار است. خیلی باید حواسمان جمع باشد. مراقب القانات دشمن باشیم؛ این که ما ایرانی هستیم و این‌ها عراقی، ما فرهنگمان این شکلی است و آن‌ها فرهنگشان آن شکلی، نقشهٔ دشمن است. خدای ناکرده در پازل دشمن بازی نکنیم.

خداوند به صراحت در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»؛^۳ (گرامی‌ترین شما باتقواترین شماست.) پس من ایرانی هستم و آن‌ها عراقی چی می‌شود؟! می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا».^۴ این شعبه‌شعبه شدن و قبیله‌قبیله شدن به این جهت است که همدیگر را بهتر بشناسید؛ نه برای فخرفروشی و

۱.. کافی، ج. ۲، ص. ۳۰۸.

۲.. بحار الانوار، ج. ۳۴، ص. ۳۱۹.

۳.. حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.

۴.. همان.



مباحات و تعصب ورزیدن. مبدا دشمن این را دستاویز قرار داده و سوءاستفاده کند!

تلاش حاج قاسم در حفظ اتحاد

خدا بر مقام و عظمت شهید عزیز حاج قاسم سلیمانی بیفزاید؛ این مرد نسبت به اتحاد جامعه مسلمین چقدر دقیق و حساس بود! روحانی مدافع حرم حجت الاسلام دیانی نقل می‌کند:

در قراگاه پشتیبانی منطقه‌ای از حلب، موقع نماز که می‌شد فلشی داشتم که آن را در ضبط ماشین می‌گذاشتم و اذان را از طریق بلندگویی که بالای ماشین بود پخش می‌کردم. اذانی که آن روز گذاشته بودم، همان اذان معروف به اذان انتظار بود. همین طور که در حال پخش اذان بودم و دستم را روی شیشه ماشین گذاشته بودم، یک وقت دیدم یکی زد روی دستم. نگاه کردم دیدم حاج قاسم سلیمانی است. می‌خواستم بیایم پایین، نگذاشت. رو کرد به من و گفت که یک اذان دیگر بگذار. بعد سؤال کرد که اذان غلوش دارید؟ (منظورش اذانی بود که مخصوص اهل سنت است و در آن نام امیرالمؤمنین برده نمی‌شود) گفتم بله، منو باز است. دو سه تراکت رفتم جلو و اذان غلوش را پخش کردم. بعد حاجی وضو گرفت و برای اقامه نماز رفتیم. بعد از خواندن نماز و جویا شدن از احوال، گفت: نپرسیدی چرا گفتم این اذان را پخش کن؟ گفتم شما فرمانده هستید و ما یاد گرفته‌ایم هر چه فرمانده بفرماید، باید بگوییم چشم! بعد ایشان فرمودند: نیامده‌ایم اینجا تا مردم این منطقه را شیعه کنیم، ما برای نجات این مردم از دست ظالمان آمده‌ایم؛ با رفتارمان باید این‌ها را به شیعه علاقه‌مند کنیم.

فرهنگ شیعه و انقلاب اسلامی این است! این روحانی مدافع حرم در ادامه می‌گوید:



من یادم هست آن روزی که حاج قاسم این حرف را زد، واسط درگیری‌های ما با داعش بود، و در آن زمان هیچ مأذنه‌ای در حلب نام مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام را نمی‌بردند؛ اما امروز تا آنجا که من می‌دانم حداقل از پنج مسجد این شهر صدای «أشهد أن علیاً ولی الله» پخش می‌شود.^۱

صف‌بندی جبههٔ دشمن

خوشا به حال آن زائری که نگاهش همچون حاج قاسم عزیز وسیع است؛ زاویه نگاهش محدود به این نیست که یک پیاده‌روی انجام می‌دهیم و مزدی از خدا می‌ستانیم؛ می‌فهمد کجا و در چه موقعیت و در چه برههٔ حساسی از تاریخ قرار دارد، می‌بیند که جبههٔ مقابل امام حسین علیه السلام چطور برای دریدن شیعه حسین علیه السلام، دندان تیز کرده است. درود خدا بر آن کسی که می‌داند در اینجا چه رسالت سنگینی به دوش دارد!

شاید این جمله را بارها شنیده باشید: «آنان که رفتند کار حسینی کردند و آنان که ماندند باید کار زینبی کنند.» مقام معظم رهبری رحمته الله علیه می‌فرماید: «این خصوصیت اربعین است؛ یعنی در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقق هدف‌های آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد.»^۲ بنابراین، امروز همهٔ ما باید به تأسی از اهل بیت پیامبر علیهم السلام در این جبههٔ خطیر خود را یک سرباز بدانیم و وظیفهٔ سربازی را در حد وسع به‌جا آوریم. یکی از زمینه‌هایی که باید در آن ورود پیدا کرد و کار فراوان انجام داد، مسئلهٔ جهاد است.

هرساله شاهد حضور عظیم و باشکوه مسلمانان از نقاط مختلف جهان در راهپیمایی اربعین هستیم، اما جای یک سؤال وجود دارد: چه تعداد از این جمعیت، عالم به مفهوم و زوایای حقیقی جهاد در مقابل دشمنان اسلام از مستکبرین غربی تا عمال عربی، آنان که در رأس‌شان وهابیت و داعش‌اند،

۱. خبرگزاری رسمی حوزه، به آدرس: <https://hawzahnews.com/xcdYt>

۲. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۸.



هستند؟ ولذا، همان طور که حضرت زینب علیها السلام تبیین گریه کربلا بودند، من و شما هم باید تبیین گریه کربلا یعنی «**هِيَاتٍ مِّنَ الدِّلَّةِ**» باشیم.

مقام معظم رهبری علیه السلام می فرمایند:

دو حرکت را عمه ما - زینب کبری علیها السلام - انجام داد: یک حرکت، حرکت اسارت به کوفه و شام بود، و آن روشنگری‌ها و آن بیانات که مایه افشای حقایق شد؛ یک حرکت دیگر، آمدن به زیارت کربلا در اربعین بود. این حرکت به معنای این است که نباید اجازه داد که انگیزه‌های خباثت‌آلودی که قصد دارند مقاطع عزیز و اثرگذار و مهم را از یادها ببرند، موفق بشوند؛ البته موفق هم نخواهند شد. تاملت‌ها زنده‌اند، تا زبان‌های حق‌گو در کار است، تادل‌های مؤمن دارای انگیزه هستند، نخواهند توانست این را به فراموشی بسپارند؛ همچنان که نتوانسته‌اند!

زائرین حسینی! امروز هر کدامان باید یک زینب برای حسین باشیم و باید یک پیغام مهم را به کل عالم مخابره کنیم. چه پیغامی؟ پیغام این که شعار «**هِيَاتٍ مِّنَ الدِّلَّةِ**» محقق نخواهد شد جز با اتحاد و همدلی و همراهی شیعیان جهان. باید دشمن را در هدفی که دنبال می‌کند ناکام بگذاریم؛ از این که بتواند بین مسلمان‌ها اختلاف ایجاد کند و جبهه ابی‌عبدالله علیه السلام را تضعیف کند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرد.

هم‌عهد شدن

امروز می‌خواهیم در رساندن این پیغام هم‌عهد و پیمان شویم؛ آقا جان! یا ابا عبدالله! تمام تلاشمان را به کار می‌بندیم که این پیام مهم را که امروز می‌تواند به شیعیان و بلکه به مسلمانان سرتاسر عالم عزت دهد و زمینه ظهور فرزندان را فراهم کند را با رفتارمان، با گفتارمان و با تک‌تک قدم‌هایمان در این مسیر مقدس منتقل کنیم.



عزیزان! از این فرصتی که به دست آمده باید حداکثر بهره را ببریم. در ابتدا برای سفر اربعین سختی و مشکلات فراوانی را متحمل می‌شدند؛ اما امروزه به لطف خدا و عنایات امام حسین علیه السلام مسیر باز شده است. نباید در انجام وظیفه و رسالتی که به دوش هر کدام از ما است، کوتاهی کنیم. گاهی یک حرف یا یک حرکت نابجا، می‌تواند آنچه رشته شده را پنبه کند.

رعایت فرهنگ مردم عراق

مطلبی را که یادآور می‌شوم حتماً در این سفر به خاطر بسپارید، مطلبی که به ظاهر ساده است؛ اما همین مطلب به ظاهر ساده، اگر مورد بی‌توجهی قرار گیرد می‌تواند صحنه را به ضرر ما و به نفع دشمن تغییر دهد و جبههٔ حسینی را تحت الشعاع قرار دهد. آن مطلب این است که مراقب باشیم با گفتار و با عملمان زمینهٔ توهین به مقدسات، به اعتقادات و فرهنگ مردم عراق را فراهم نکنیم؛ یقیناً این خواست دشمن است، دشمنی که منتظر پیدا کردن یک نقطهٔ ضعف برای کوبیدن اسلام و مسلمین است. در این تردید نکنید!

برخی از شخصیت‌ها ممکن است از لحاظ خط فکری و سیاسی با ما هم‌جبهه نباشند، اما همان افراد ممکن است مورد توجه و علاقهٔ مردم عراق باشند؛ یا بعضاً ممکن است برخی از آداب و رسوم‌های حاکم در عراق مورد میل و پسند ما نباشد؛ با این وجود، باید به فرهنگ و آداب و رسوم آن‌ها احترام بگذاریم و آن را محترم بشماریم. ضمناً فراموش نکنیم که ما در کشور عراق میهمان هستیم.

البته این‌ها را از باب نمونه عرض کردم؛ ان‌شاءالله بزرگواران به جوانب مسئله نظر دارید. امیدواریم که همهٔ ما بتوانیم در این سفر نورانی و معنوی نهایت بهره را ببریم و به تکالیفمان نیز جامه عمل بپوشانیم.

روضه

حتماً شما زائران عزیز برای رسیدن به کربلای معلی بی‌تابید؛ برای درک



بهشت عالم، دلتنگ بین‌الحرمین هستید و از ابتدای سفر دلتان را به نفس کشیدن در حرم مطهر ارباب خوش کرده‌اید. بعضی از شما هم از سال قبل خاطرۀ زیارت دارید و مشتاقید هرچه زودتر به مقصد مقدس عالم، حرم مطهر ابا عبد الله علیه السلام برسید.

این روزها یک بانوی مجلله‌ای هم پریشان است و دوست دارد یک بار دیگر به کربلا برسد و یاد برادر کند. زبان حال زینب کبری در بین راه است:

یاد باد آن روزهایی که برادر داشتم
تکیه‌گاهی مثل عباس دلاور داشتم
بی‌پناهی مرا صد بار بر رویم زدند
یادشان رفته‌ست روزی را که لشکر داشتم

عزیزان! شما مهمانید و مسافر، و مکرر در طول سفر اربعین مورد اکرام محبین اهل بیت علیهم السلام قرار می‌گیرید. همه‌جا این رسم است که مسافر در هنگام ورود به هر شهری، اکرام و احترام می‌شود؛ اما اهل بیت حضرت ابا عبد الله علیه السلام از هر شهری که گذر می‌کردند با هلهله و شادی و پایکوبی روبه‌رو می‌شدند و با تازیانه و کعب نی از آن‌ها پذیرایی می‌کردند. امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: «ان دَمَعَتْ مِنْ أَحَدِنَا عَيْنٌ فَقَرِعَتْ رَأْسُهُ بِالرُّمْحِ»؛ (اگر چشمی از ما گریه می‌کرد، نیزه‌داران با نیزه به سرش می‌زدند). **عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.**





بخش دوم

نجم اشرف

طنین عشق و دلدادگی!

یاری کردن مهدی عج با اتحاد و اجتماع قلوب مومنین، راه اثبات دلدادگی

به حسین علیه السلام

دل در گرو علی

در نهج البلاغه شریف آمده است که بعد از پایان جنگ جمل یکی از اصحاب امیرالمؤمنین ، نزد حضرت رفتند و اظهار داشتند: آقا جان! ای کاش برادرم اینجا بود و می دید چطور خداوند شما را بر دشمنانتان پیروز کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «أَهْوَىٰ أُخِيكَ مَعَنَا؟»؛ (آیا فکر و نیت و دل برادرت با ما بود؟) فرمود: بله آقا جان. سپس، امام علی علیه السلام مطلبی فرمودند که دل هر عاشقی را زیور و می کند و جان تازه ای در کالبد هر مؤمن معتقدی می دمَد: «فَقَدْ شَهِدْنَا، وَلَقَدْ شَهِدْنَا! فِي عَشْرِكُنَا هَذَا أَقْوَامٌ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ»؛ (برادرت در این نبرد همراه ما بود؛ نه تنها او، بلکه با ما همراه بودند کسانی که در صلب پدران و رحم مادرانشان هستند.) یعنی افرادی که هنوز به دنیا نیامده اند، اما فکر و دل و نیتشان با ما است، نیز همراه ما بوده اند. حضرت سخن قابل تأمل و زیبایی فرمودند! یعنی هر چند تقدیر و زمانه

بین ما و امیرالمؤمنین علیه السلام فاصله انداخته، اما ممکن است با ایشان بوده باشیم، کنار ایشان شمشیر زده باشیم و حضرت را در نبردهایش یاری کرده باشیم.

سپس، آقا فرمودند: «سَيَرْعَفُ بِهِمُ الزَّمَانُ، وَيَقْوَى بِهِمُ الْإِيمَانُ!»؛ (زمانه آن‌ها را رو می‌کند و ایمان به وسیلهٔ آن‌ها تقویت می‌شود). حضرت فرمودند یک روزی آن کسانی که از آن‌ها یاد کردم خواهند آمد. گویی حضرت همان زمان یاران آینده‌اش را می‌دیده است.

وابستگی عمل به نیت

این کلام گهربار مولای متقیان روی دیگر این روایت شریف پیامبر صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «أَمَّا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَأَمَّا لِكُلِّ أَمْرٍ مَانُوءٌ!»؛ (به درستی که اعمال و کارهای انسان به نیت‌ها وابسته است و برای هر انسانی آن چیزی باقی می‌ماند که در نیت داشته است).

با استناد به کلام پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام، اگر در نیت و باطن‌تان انگیزهٔ یاری امیرالمؤمنین و امام حسین علیه السلام و دیگر اهل بیت علیهم السلام و دیگر اولیاء الهی از ابتدای خلقت انسان‌ها تا پایان این عالم وجود دارد، شما در اجر و پاداش حرکت و اقدام آن‌ها برای پیشبرد راه حق و حقیقت شریک خواهید بود.

به‌راستی که نیت و انگیزه انسان در پرونده اعمال او دخیل است! یعنی ممکن است در قیامت در پرونده‌تان اعمالی مثل شمشیر زدن در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله را ببینید و با تعجب پرسید که چطور این عمل در پرونده‌ام ثبت شده است؟! یا به عکس؛ خدای ناکرده ممکن است عملی بسیار مذموم و ناپسند که از آن بی‌خبرید در پرونده‌تان ثبت شده باشد. این‌ها همه نتیجهٔ این سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که نیت در پرونده اعمال‌تان اثرگذار خواهد بود. به همین جهت است که قرآن کریم وقتی داستان پی



کردن ناقه حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَامُ را بیان می‌کند، این چنین می‌فرماید: «فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمُ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّيَا»؛^۱ (پس آن‌ها پیامبرشان (صالح) را تکذیب کردند و ناقه‌ای را که معجزه الهی بود پی نمودند و به هلاکت رساندند؛ پروردگارشان نیز آن‌ها و سرزمینشان را به خاطر گناهانشان درهم کوبید و با خاک یکسان کرد.) خداوند پی کردن ناقه را به یک گروه نسبت می‌دهد، درحالی‌که در تاریخ پی‌کننده ناقه صالح یک نفر بیشتر ذکر نشده است؛ ولی از آنجاکه دیگران با او هم‌دل و هم‌عقیده بودند، فعل او به همه نسبت داده شده و مجازاتش همه را فرا گرفته است.

روایت جابر از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کنار قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ

در داستان جابر بن عبدالله انصاری آمده است که ایشان در روز اربعین به زیارت قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ رفت و ضمن خواندن زیارت‌نامه‌ای پُرسوز در برابر قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و یارانش، خطاب به قبر یاران کرده و فرمود: «گواهی می‌دهم شما نماز را بر پا داشتید و زکات را ادا کردید و امر به معروف و نهی از منکر نمودید، با اهل الحاد پیکار کردید و خدا را تا آخرین نفس پرستش کردید.» سپس ایشان می‌فرماید: «وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَقَدْ سَأَرْنَاكُمْ فِيهَا دَخَلْتُمْ فِيهِ»؛ (سوگند به خدایی که محمد را به حق مبعوث ساخته، ما با شما در آنچه از نعمت‌ها و پاداش الهی وارد شدید شریک و سهیم هستیم).

این سخن چنان بود که حتی دوست بامعرفت جابر را، یعنی عطیه^۲ که

۱... شمس (۹۱): آیه ۱۴.

۲... عطیه از طایفه بکالی، تیره‌ای از قبیله بنی عوف بن امرؤ القیس است. پدرش، سعد بن جناده از قبیله بنی عوف و از صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مادرش کنیزی از اهالی روم بود. درباره تاریخ تولد عطیه خبر دقیقی در دست نیست، اما برخی تولد وی را بین سال‌های ۳۶ تا ۴۰ ق تخمین زده‌اند؛ چراکه در زمان خلافت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در کوفه متولد شد. پدرش وی را نزد امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ برد تا او را نام‌گذاری کند. امام او را در آغوش گرفت و گفت «هَذَا عَطِيَّةُ اللَّهِ» (این موهبت و هدیه خدا است)؛ بدین جهت وی را عطیه نامیدند. کنیه وی نیز ابوالحسن است؛ او را با لقب‌های عوفی، جدلی، قیسی و کوفی می‌شناسند. (سمعانی،



در این سفر جابر را همراهی می‌کرد، در شگفتی فرو برد؛ تا آنجا که زبان به اعتراض گشود و گفت: ای جابر، ما چه کرده‌ایم که با آن‌ها شریک باشیم؟! نه از دژه‌ای پایین رفتیم و نه از کوهی برآمدیم و نه شمشیر زدیم؛ درحالی که یاران حسین علیه السلام میان سرها و بدن‌هایشان جدایی افتاد و فرزندانشان یتیم و همسرانشان بیوه شدند. جابر حدیثی را که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیده بود برای وی بازگو کرد و گفت: من از حبیب خدا شنیدم که می‌فرمود: «مَنْ رَا أَحَبَّ قَوْمًا حُسْرًا مَعَهُمْ وَمَنْ أَحَبَّ عَمَلَ قَوْمٍ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ»؛ (کسی که قومی را دوست دارد با آن‌ها محشور می‌شود و کسی که عمل قومی را دوست دارد در عملشان شریک است).^۱ آری، نیت این قدر می‌تواند مؤثر باشد!

وصیت شهید حسن خلیلی کاشیدار

یکی از شهدایی که دوست داشت در زمان امام حسین علیه السلام حضرت رایاری می‌کرد و در رکابش شهید می‌شد، شهید حسن خلیلی کاشیدار است. در وصیت‌نامه این شهید بزرگوار این‌گونه آمده است که: «از دوران کودکی هر موقع نامی از امام حسین علیه السلام می‌بردند، آرزو می‌کردم که ای کاش در آن زمان بودم و در رکاب آن حضرت به شهادت می‌رسیدم»^۲

آرزوی همراهی ابی‌عبدالله علیه السلام در کربلا

شاید شما هم همچون شهید خلیلی بارها در خلوت‌هایتان به ابی‌عبدالله علیه السلام رو کردید و گفته‌اید ای ارباب بی‌کفن! ای کاش در کربلا بودیم و تو را یاری می‌کردیم؛ ای کاش ما هم فدایی تومی شدیم آقا.

بارها آرزو کردیم که ای کاش همچون علی‌اکبر علیه السلام و قاسم علیه السلام و حبیب‌بن‌مظاهر واقعه کربلا را درک می‌کردیم و در یاری فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله

الأسباب، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۴۰۵. أسد الغابة، ج ۲، ص ۱۸۹. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۰۵.
ابن سعد، الطبقات الكبرى، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۰۵. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۰۵. تاریخ الطبری، ج ۱۱، ص ۶۴۰. زرکلی، الأعلام، ۱۹۸۹، م ۴، ج ۴، ص ۲۳۷

۱. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۰، ح ۶۲.

۲. کتابخانه دیجیتال تبیان به آدرس: <https://library.tebyan.net/fa/Viewer/Text>؛ ۹۷۳۱۷/۰



می‌شتافتیم. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: «اگر این ای کاش تو از دل برآمده باشی، روز عاشورا در کنار ابی‌عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام شمشیر زده‌ای.» یعنی زمانه نمی‌تواند حائل شود تا ما از یاری آقا و مولایمان باز بمانیم. زهی سعادت! چه چیزی بالاتر از این که اجر و پاداش شمشیر زدن در رکاب خوبان عالم همچون علی عَلَيْهِ السَّلَام و حسین بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَام را در پرونده‌مان ثبت و ضبط کنند؟!

شرط دل‌دادگی در مسیر حسین عَلَيْهِ السَّلَام

البته این اجر و مزد یک شرط دارد. چه شرطی؟! همان شرطی که امام ضمن کلامشان به آن تصریح کردند و فرمودند: «أَهْوَىٰ أَحْيَاكَ مَعَنَا؟»؛ (آیا دل و نیت برادرت با ما بود؟)

چطور می‌توان فهمید که نیتمان با امام است یا خیر؟ در حقیقت، این عمل ما است که می‌تواند گواه بر نیت درونی‌مان باشد. پس باید گفت شرطش این است که عملمان این دل‌دادگی را تأیید کند. نمی‌شود ادعایی کنیم که با عملمان سازگار نیست؛ این که می‌شود ادعا و لاف عاشقی!

میثاق با مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

حتماً می‌پرسید راه پی بردن به صدق این ادعا چیست و چطور می‌توانیم خودمان را محک بزنییم؟ مهم‌ترین نشانه صدق این ادعا در این برهه از تاریخ این است که خودمان را با یاری حجت‌الهی محک بزنییم:

آیا هم‌اکنون وظیفه خود را در قبال این امانت‌الهی انجام می‌دهیم؟

آیا پای عهد و پیمانمان با اماممان هستیم؟

آیا برای تحقق ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام تلاش می‌کنیم؟

....و

شهید احمدی‌روشن چه دقیق و عمیق فرمودند که: «ظهور اتفاق می‌افتد،



ولی مهم‌تر این است که ما کجای این ظهور هستیم؟) یک وقت این شهید عزیز از آیت‌الله خوشوقت پرسیدند: «ظهور چقدر نزدیک است؟» آیت‌الله خوشوقت پاسخ قابل تأملی به ایشان دادند و فرمودند: «این بستگی به این دارد که شما در نطنز چه می‌کنید!»^۲

بله، ظهور ارتباط مستقیمی با عمل ما دارد.

در زیارت نورانی آل یاسین می‌خوانیم که: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ»؛^۳ (ای میثاقی که خداوند از بندگان گرفته و آن را محکم کرده است). میثاق یعنی عهد. لازم به ذکر است که میثاق و عهد معمولاً به شخص اطلاق نمی‌شود، بلکه این‌گونه گفته می‌شود که در مورد شخص میثاق و عهد گرفته شده. اما خداوند برای تأکید بر این موضوع، به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ لقب میثاق می‌دهد و این نشان از اهمیت موضوع است.

نقش همدلی و اخوت در ظهور

خداوند از همه ما در یاری حجتش عهد و پیمان گرفته که او را به هر شکلی که می‌توانیم یاری دهیم؛ اگر شما دل در گرو حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ دارید (که دارید)، پس فرزندش را هرگونه که می‌توانید یاری کنید. امروز یاری مهدی فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ اقدامی جدی و همه‌جانبه برای مقدمه‌سازی ظهور حضرت است و این مقدمه‌سازی جز با اتحاد و همدلی و اخوت و اجتماع قلوب مؤمنین برای یاری امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ محقق نخواهد شد؛ همان همدلی و اخوت و اجتماع قلبی که نبودش موجب تنهایی فرزند پیامبر، یعنی ابی‌عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ، در سرزمین کربلا شد و حضرتش مظلومانه و غریبانه به مسلخ برده شد، همان همدلی و اجتماع قلبی که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ در توفیق شریفشان به شیخ مفید تصریح کردند و فرمودند: «وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَوَقَفَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِمْ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ مَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ

۱.. خبرگزاری مشرق به آدرس: mshrgh.ir؛ ۱۱۶۶۱۱۵

۲.. خبرگزاری تسنیم، ۲۰ دی ۱۳۹۱، به آدرس: <https://tn.ai>؛ ۱۱۶۷۷

۳.. زیارت آل یاسین.



الْيَمَّنُ بِلِقَائِنَا»! (اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد- در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، اصلاً میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد.)

امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام در این توفیق شریف به صراحت علت تأخیر در غیبت را عدم اجتماع و اتحاد قلوب معرفی می‌کنند. امام از مؤمنین یک امت یکپارچه می‌خواهد تا بتواند حکومت جهانی خویش را ایجاد کند و آن را توسعه دهد؛ مؤمنینی که دل در گرو هم دارند و با هم پیمان و عهدی مشترک دارند.

این اتحاد جز با این نگاه که به جامعه به مثابه یک پیکر واحد بنگریم، مشکلات جامعه را مشکلات خودمان بدانیم و برای حل آن‌ها تلاش کنیم، رخ نمی‌دهد. پس این مهم را جدی بگیریم و برای تحققش منیت‌ها، کینه‌ها، حسادت‌ها و خودخواهی‌ها را کنار بزنیم و همدل و هم‌صدا ظهورش را از خدای رحمان طلب کنیم و برای رفع موانع ظهورش تلاش همه‌جانبه داشته باشیم. امید است که پروردگار به دعای جمعی ما اثر دهد و منتقم خون حسین عَلَيْهِ السَّلَام و برپاکننده عدل جهانی را هرچه زودتر برساند.

روضه

نسیم روح‌انگیز نجف اشرف قلب هر انسانی را به وجد می‌آورد. شور و شغف معنوی از برکت وجود نازنین حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به قلب‌های عاشقان القا می‌شود و هر کس با مولای خود عشق‌بازی می‌کند و زیر لب با آقا درددل می‌نماید.

حالا که در نجف مولا هستیم، اجازه بدهید به حضرت عرض کنیم آقا! ما امیدمان برای سنگینی نامه اعمال و زاد و توشه آخرت فقط و فقط به شما و اولاد شماست.



به بازار عمل بادست خالی من و مهر تو یا مولی الموالی

اما در محضر مولا امیرالمؤمنین علیه السلام دو خط روضه بخوانیم تا آغاز حرکت ما به سمت کربلا با استعانت از این آقای بزرگوار صورت بگیرد.

مولا جان شما در راه رفتن برای جنگ صفین وقتی به وادی کربلا رسیدید از مرکب پیاده شدید و نمازی خواندید و خطاب به خاک کربلا که در دست داشتید فرمودید بشارت باد بر تو ای خاک کربلا! شهادی عزیز از جمله فرزندم حسین در اینجا شهید خواهند شد و اینجا مدفن مقدس آن‌ها می‌شود. امان از روز عاشورا و مصیبت عظمای آن!

پیغام کربلا به نجف برد جبرئیل

یا مرتضی علی پسری داشتی چه شد!

پیغام علقمه به نجف برد جبرئیل

یا مرتضی علی قمری داشتی چه شد!

یا امیرالمؤمنین علیه السلام! ما وقتی ناله‌های زینب را در رثای ابا عبد الله مرور می‌کنیم، از صمیم قلب می‌سوزیم و ضجه می‌زنیم. بعد از شهادت ابا عبد الله، زینب کبری با ناله صداد: «لَيْتَ السَّمَاءَ أَطْبَقَتْ عَلَى الْأَرْضِ وَلَيْتَ الْجِبَالَ تَدْكُدُكَ عَلَى السَّهْلِ»؛ (ای کاش آسمان از این مصیبت عظمی بر زمین می‌افتاد و کوه‌ها همه قطعه قطعه می‌شد و متلاشی می‌گشت) امان از دل زینب! یا امیرالمؤمنین علیه السلام ما هم دوست داریم مثل زینب کبری علیها السلام که نه فقط به خاطر برادر، بلکه به خاطر شهادت و هتک حرمت امام زمانش ناله می‌زد، از فراق امام زمانمان ناله بزنیم و به حد ظرفیت خودمان بتوانیم ادای دین به امام غریبمان کنیم.

إن شاء الله با نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام پیاده روی از نجف به سمت کربلا را به محضر حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الیک اهدا می‌کنیم تا عشق و ارادت و ثبات قدم مان در خانهٔ اهل بیت علیهم السلام به حد اعلا برسد.



بخش سوم

در مسیر پیاده روی





لحظه‌های ناب


«بهره برداری حداکثری از فرصت زودگذر سفر اربعین»

نامعلومی تکرار فرصت اربعین

وجود دکتر محسن چهرزاد در خاطراتش از دوران دفاع مقدس می‌گوید: «قرار بود گودالی در محل استقرار آتشبار در فاو برای جاسازی رادارها حفر کنیم. کمال ظل الانوار که فرمانده قرارگاه تطبیق آتش بود هم پابه پای ما با بیل زدن زمین را حفاری می‌کرد. هر کدام از ما در یک سمت مشغول بیل زدن بودیم. هوا گرم بود و کم‌کم عرق از چهار ستون بدنمان جاری شد. لحظه‌ای ایستادم تا نفسی چاق کنم. دستی به پیشانی عرق‌نشسته‌ام کشیدم و چشمم به کمال افتاد که در گودترین قسمت گودال ایستاده بود. متعجبانه به چیزی که می‌دیدم خیره شدم؛ صورت کمال خیس خیس بود، نه از عرق، بلکه از اشک! کمال داشت آرام آرام اشک می‌ریخت و گریه می‌کرد.

گفتم: آقا کمال چیزی شده!

با بغض گفتم: محسن، تو کربلا رفتی؟



با تعجب از این سؤال گفتم: نه!

گفت: عموی من کربلا رفته. عمویم شنیده بود اگر خاک گودال قتلگاه را در آب حل کنند آب رنگ خون می‌شود. عمویم می‌گفت کمی از خاک گودال قتلگاه را در آب حل کردم، شد خون‌آبه!

نمی‌دانم کمال چه می‌دید یا به چه فکر می‌کرد، فقط می‌دانم در آن گودال فکر و ذهنش رفته بود گودال قتلگاه. همان جا وسط گودال نشست و ساعتی برای امام حسین علیه السلام اشک ریخت.^۱

خدا را شاکریم از اینکه به ما توفیق حضور در پیاده‌روی اربعین را داد و لذت قدم گذاشتن در این مسیر الهی را به ما عنایت فرمود. اما ما زائران اباعبدالله علیه السلام باید به این نکتهٔ بسیار مهم و اساسی توجه داشته باشیم که شاید دوباره فرصت زیارت برای ما ایجاد نشود؛ آیا یک بار دیگر توفیق این زیارت را پیدا می‌کنیم؟ آیا سال بعد زنده هستیم؟

چه شهادایی که با حسرت و آرزوی یک زیارت کربلا به شهادت رسیدند. خیلی‌ها دوست داشتند مثل ما الان اینجا باشند اما توفیق پیدا نکردند. خیلی‌ها گفتند سال دیگر حتماً اربعین کربلا می‌رویم، اما الان زیر خروارها خاک خوابیده‌اند و اجل مهلتشان نداد.

نهایت بهره‌مندی از فرصت ناب اربعین

هم‌اکنون که به لطف خدای متعال در این مسیر هستیم، باید این فرصتی که برایمان پیش آمده است را غنیمت بدانیم. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِيْزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ»؛^۲ (فرصت‌ها همچون گذشتن ابر در آسمان می‌گذرند و تمام می‌شوند؛ پس فرصت‌های خیر را غنیمت بشمارید.)

الان که نگاه می‌کنید یک تکه ابر در آسمان می‌بینید؛ چند لحظه بعد که سرتان

۱... تطبیق آتش، ص ۷۰.

۲... نهج البلاغه، حکمت ۲۱.



را بالا می‌آورید می‌بینید که آن ابر گذر کرد و رفت. عزیزان! بدانید که خیلی زود دیر می‌شود و در یک چشم به هم زدن این فرصت ناب به پایان خواهد رسید. لذا تمامی توانیم باید از این فرصت به بهترین وجه ممکن بهره‌بریم.

عقل‌ترین مردم کسانی هستند که همواره از موقعیت‌های موجود استفاده می‌کنند و هیچ فرصتی را به رایگان از دست نمی‌دهند. پس باید بکوشیم که از فرصت‌های در دست، نهایت استفاده را ببریم و سعی کنیم خویشتن را در مسیر فیض الهی قرار دهیم. چنان‌که رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي آيَاتِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلْفَتْعَرَضَاتِهَا»؛ در ایام زندگی شما لحظاتی فرا می‌رسد که در معرض نسیم حیات بخش الهی قرار می‌گیرید و فرصت مناسبی به دست می‌آورد؛ بکوشید که از آن فرصت‌ها استفاده کنید و خویشتن را در مسیر فیض الهی قرار دهید.

برای پیشرفت خود باید لحظاتی را که در آن به سر می‌بریم، دریابیم؛ چرا که گذشته از بین رفته و آینده هم نیامده است. بزرگ‌ترین هنر زندگی، استفاده از فرصت‌های بی‌نظیری است که بر ما می‌گذرد.

عمر، چیزی غیر از همین لحظه‌ها نیست؛ بهره‌گیری صحیح از این لحظه‌ها مایه‌رشد، و غفلت از آن خسارت است. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ عُصَّةٌ»؛ (از دست دادن فرصت موجب پشیمانی و اندوه است).

فرصت غنیمت است رفیقان در این چمن

فرداست همچو گل همه بر باد رفته‌ایم

باید تمام تلاشمان را جهت بهره‌گیری کامل از این سفر معنوی انجام دهیم. همین که در این مراسم حضور داریم و در این پیاده‌روی شرکت می‌کنیم، بدون این‌که کار خاص دیگری انجام دهیم اجر و پاداش عظیمی به ما خواهد رسید. در ثواب زیارت اربعین روایات بسیار تکان‌دهنده‌ای وجود دارد. چرا استفاده حداکثری از این سفر نبریم؟ چرا به حداقل‌ها اکتفا کنیم؟ چرا افق نگاهمان را بالاتر نبریم؟ چرا زیاده نخواهیم؟

زیاده‌خواهی نسبت به دنیا مذموم است، اما در امور دینی و معنوی این‌گونه نیست. مگر نفرمودند: «**الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ**»؛ (مؤمن زیرک است)؟ مؤمن زیرک آن کسی است که علاوه بر بهره‌مند شدن از ثواب زیارت امام در اربعین، سعی می‌کند از این فرصت ناب و بی‌نظیر ایجاد شده نهایت بهره را ببرد.

راهکارهای بهره‌برداری حداکثری

شما هم فکر کنید چطور می‌توانیم از فرصت اربعین که در آن قرار گرفته‌ایم نهایت بهره‌مندی را داشته باشیم. در ادامه، چند راهکار و پیشنهاد بسیار ساده و عملیاتی برای استفادهٔ بهتر و بیشتر از این موقعیت معرفی می‌شود.

شناخت آداب زیارت؛

اولین پیشنهاد، شناخت آداب زیارت است. فردی که آشنایی بیشتری با آداب این سفر معنوی داشته باشد قطعاً بهرهٔ بیشتری هم خواهد برد. آداب فراوانی در زیارت قبور ائمه وارد شده که با برخی از آن‌ها آشنا هستی‌دواز طریق کتاب‌هایی که در حرم‌ها گذاشته شده می‌توانید به آداب اختصاصی بیشتری دست پیدا کنید. بزرگان اهل سلوک معمولاً در زیارت قبور ائمه علیهم‌السلام و امامزادگان خواندن یک زیارت را توصیه می‌کنند که یادگار وجودنازنین امام هادی علیه‌السلام است و می‌توان از آن به‌عنوان شناسنامهٔ اهل بیت علیهم‌السلام یاد کرد؛ چرا که بیش از دویست صفت از ائمه در این زیارت نورانی آمده است و آن زیارت نورانی «جامعه کبیره» است.

علامه مجلسی رحمته‌الله پس از نقل این زیارت می‌فرمایند: «این زیارت از جهت سند، صحیح‌ترین؛ از جهت موارد شمولش نسبت به ائمه علیهم‌السلام، شامل‌ترین و عام‌ترین؛ از جهت لفظ، روشن‌ترین و فصیح‌ترین؛ از جهت معنا و محتوا، بلیغ‌ترین؛ و از جهت شأن و مقام، جزو عالی‌ترین زیارات است.^۱ لذا عزیزان برنامه‌ریزی کنید که حتماً در حرم ائمه‌ای که مشرف می‌شوید این زیارت را با توجه بخوانید.

۱. کنز العمال: ۶۸۹.

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۴۴.



دومین پیشنهاد، استفاده از این فرصت برای معرفت و شناخت بیشتر امام حسین علیه السلام و آشنایی با سیره ایشان است. ما که به محضر امام حسین علیه السلام برای زیارت آمده‌ایم، چقدر نسبت به حضرت شناخت و معرفت داریم و با سیره و سبک زندگی ایشان آشنا هستیم؟ کم‌لطفی نیست که به‌عنوان شیعیان و پیروان امام، نسبت به زندگی و سیر و سلوک حضرت لااقل یک شناخت اجمالی نداشته باشیم؟! گاهی این عدم معرفت و شناخت نسبت به امام است که ما را از او دور می‌کند.

در آداب زیارت وجود نازنین اهل بیت عصمت و طهارت سیدالشهداء علیهم السلام آمده است که زیارت‌مان باید با معرفت باشد و یکی از بهترین راه‌های معرفت به امام، شناخت حضرت و آشنایی با زندگی‌نامه حضرات معصومین علیهم السلام است. قطعاً شخصیت امام فراتر از وسعت یک دریاست و قطره‌قطره این دریا، ما را به معرفت حضرتشان نزدیک می‌کند.

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم‌به‌قدر تشنگی باید چشید

بنابراین، دومین راه برای استفاده حداکثری از این مسیر، آشنایی با حضرات معصومین علیهم السلام و افزایش معرفت به ایشان است، که به راحتی می‌توانید از حضور علماء و روحانیون دینی در این مسیر برای آشنایی هرچه بهتر و بیشتر نسبت به امام استفاده کنید.

سومین پیشنهادی که محضر شما عزیزان دارم این است که برخی از موکب‌های در مسیر، کارهای بسیار زیبایی در زمینه امور فرهنگی انجام داده‌اند و در این راستا زحمت زیادی کشیده‌اند، ان‌شاءالله به این موکب‌ها سر بزنید و استفاده ببرید و در راستای زحمتی که کشیده‌اند نیز یک دل‌گرمی برای آن‌ها باشید. البته حتماً حواستان باشد که در تور راهنمایان این مسیر نیفتیم و از دام‌هایی فرار کنیم که برخی گرگ‌صفتان به واسطه فرقه‌های انحرافی برایمان پهن کرده‌اند. امیدواریم خداوند توفیق استفاده حداکثری از این فرصت پیش‌آمده را به همه ما ارزانی بدارد.



روضه

رحمت خدا بر همهٔ شما عزیزان که به عشق دیدن صحن و سرای ارباب طی مسیر می‌کنید و برای تسلای قلب نازنین حضرت صاحب تمام کم و زیادهای زیارت را به جان می‌خرید. مرحبا بر این قلوب آکنده از عشق! خیلی‌ها در این مسیر با خانواده و بچه‌هایشان آمده‌اند، بعضی‌ها حتی فرزند کم‌سن‌وسال دارند. این را بدانید در این مسیر همهٔ موکب‌دارها در خدمت شما هستند تا مبادا به شما و خانواده‌تان بد بگذرد. ذکر مصیبت ما همین یک جمله باشد، در بین مسیر که به سمت نجف رهسپار هستید از خانوادهٔ بی‌پناه اباعبدالله علیه السلام هم یاد کنید و بر مصائب آن‌ها اشک بریزید.

پناه عالمیان زینب پناه ندارد
به جز تو ای شه‌خوبان تکیه‌گاه ندارد

یا صاحب‌الزمان! ما با روضه‌های عمه جانِ مظلومه و مضروبهٔ شما می‌سوزیم. حضرت زینب علیها السلام صدامی زد داداشم! حسین جان!

از من در این مسیر ببین پیکری نمانده است
از تو برای زینب تو جز سری نماند
از من حسین چادر مادر نمانده است
از تو حسین پیرهن مادری نماند
هر کجا نشسته‌اید بلند ناله بزنید: یا حسین علیه السلام!

حضرت صاحب‌الزمان عنه الله تعالی فرمودند بعد از روضه‌های عمه جانم زینب برای ظهور من دعا کنید. همه از صمیم قلب با انابه و التجا ناله بزنیم:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ».



پاداش بی بدیل

«دلیل این همه پاداش برای امثال زیارت اربعین چه توجیهی دارد؟»

سرّ پاداش های بی حد و مرز

شاید شما هم شنیده باشید یا در روایات دیده باشید که زیارت ابا عبدالله علیه السلام آثار عجیبی دارد؛ از قبیل این که فرموده اند در ایام زیارت امام حسین علیه السلام از عمر زائر حساب نمی شود؛^۱ زیارتش موجب طول عمر و ترک زیارتش باعث نقصان عمر می گردد؛^۲ حوادث بد را دفع می کند؛^۳ روزی را زیاد می کند؛^۴ گناهانش محو می شود و دعایش مستجاب می گردد؛^۵

سؤالی که احتمالاً ذهن خیلی از شما را به خود مشغول کرده است، سؤالی که انسان را در فکر عمیقی فرو می برد، سؤالی که اتفاقاً گره خورده با این ایام و روزها است، این است که چرا خدای متعال این همه پاداش برای زیارت

۱.. کامل الزیارات، ص ۱۳۶.

۲.. کامل الزیارات، ص ۱۵۱.

۳.. کامل الزیارات، ص ۱۵۰.

۴.. کامل الزیارات، ص ۱۵۰.

۵.. امالی صدوق، ص ۵۸۷.

امام حسین علیه السلام قرار داده است؟ این همه اجر و مزد چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟

در یکی از روایات آمده است که امام باقر علیه السلام فرمودند: «اگر مردم ثواب زیارت قبر حسین علیه السلام را می‌دانستند، از شوق قالب تهی می‌کردند و نفس‌هایشان از حسرت این زیارت به شماره می‌افتاد و قطع می‌شد.»^۱ و امام صادق علیه السلام در مورد ثواب زیارت امام حسین علیه السلام می‌فرمایند: «ای حسین! کسی که از منزلش بیرون آید و قصدش زیارت قبر حضرت حسین بن علی علیه السلام باشد، اگر پیاده رود، خداوند مَنان به هر قدمی که برمی‌دارد یک حسنه برایش نوشته و یک گناه از او محو می‌فرماید تا زمانی که به حائر برسد؛ و پس از رسیدن به آن مکان شریف، حق تبارک و تعالی او را از رستگاران قرار می‌دهد؛ تا وقتی که مراسم و اعمال زیارت را به پایان رساند؛ در این هنگام او را از فائزین محسوب می‌فرماید تا زمانی که اراده مراجعت نماید؛ در این وقت فرشته‌ای نزد او آمده و می‌گوید: حضرت محمد صلی الله علیه و آله سلام رسانده و به تو می‌فرماید از ابتدا عمل را شروع کن، تمام گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.»^۳

مگر چه خبر است؟! مگر زائر چه کار کرده است که این همه مزد و پاداش به او می‌دهند؟! یعنی واقعاً سه چهار روز پیاده‌روی کردن، این همه پاداش دارد! حالا شاید بگویید زائر از راه دوری آمده یا گرمای هوا خیلی زیاد بوده یا مشکلات دیگری پیش آمده؛ ولی به هر حال، این همه پاداش - به حساب ظاهر - مطابقتی با این سختی‌ها ندارد. پس سرّ آن چیست؟!

علاوه بر مسئلهٔ زیارت ابا عبد الله علیه السلام، حتی روضه خوانی نیز پاداش عجیبی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ۴۵۳ «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا سُوقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ قُلْتُ وَ مَا فِيهِ قَالَ مَنْ زَارَهُ سُوقًا إِلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَجَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ وَ أَلْفَ عُمْرَةٍ مَبْرُورَةٍ وَ أَلْفَ شَهِيدٍ مِنْ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أَلْفَ صَائِمٍ وَ ثَوَابِ أَلْفِ صَدَقَةٍ مَقْبُولَةٍ وَ ثَوَابِ أَلْفِ نَسَمَةٍ أَرِيدَ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ»

۲. حسین بن ثوبیر

۳. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۲، ص ۹۱.



دارد؛ مثل این روایت معروف که یکی از روایات مربوط به روضه است، امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ بَكَى وَ أَبْكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَ مَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ!»؛ (هرکس در مصیبت امام حسین علیه السلام بگرید یا بگریاند یا این که خودش را به گریه بزند، جسدش بر آتش حرام شده و بهشت بر او واجب می‌شود.)

در مقیاس حسین علیه السلام

بنده پاسخ این سؤال را در یک جمله مطرح می‌کنم و امیدوارم همه عزیزان به این جمله دل بدهند؛ آن جمله این است که «این میزان اجر و پاداش را می‌بایست در مقیاس ابی‌عبدالله علیه السلام ببینیم، نه در میزان عمل خودمان» که اگر در مقیاس خودمان دیدیم، باید بگویم عمل ما این همه ستایش و اجر و پاداش نمی‌خواهد؛ اما اگر در مقیاس امام حسین علیه السلام دیدیم، آن وقت اقرار خواهیم کرد که عمل ما لایق این مزد و پاداش است.

اجازه دهید برای روشن شدن مطلب، مثالی عرض کنم. البته مقام امام، اجل از این مثال است؛ لکن برای تقریب به ذهن عرض می‌کنم. فرض کنید برای پرسیدن قیمت پارچه ابریشم به بازار می‌روید. پارچه فروش می‌گوید: ما با دو قیمت پارچه ابریشم داریم. می‌پرسید چرا با دو قیمت؟ جواب می‌دهد: عرض پارچه‌ها متفاوت است، هر چند جنس آن‌ها یکی است.

آری! دلیل این است که عرض این پارچه‌ها باهم متفاوت است؛ عرض یکی یک متر است و عرض دیگری دو متر. حالا شما به همین پارچه عرض صد یا عرض هزار متر بدهید ببینید چه قیمتی می‌شود!

کار برای امام حسین علیه السلام هم همین‌گونه است؛ گرچه کم باشد، اما چون عرض وسیعی دارد ارزشش را بالا برده است. عرض کار به مقیاس ابی‌اباعبدالله علیه السلام وسعت می‌یابد. کار در دستگاه امام حسین علیه السلام را باید در همان عرض و مقیاس وسیعی که هست، دید و سنجید و ارزش‌گذاری



کرد. بنابراین، اجراموری که به امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام منتسب است را باید در این مقیاس بی‌انتهای ببینیم؛ اما برای روشن‌تر شدن مطلب، بهتر از این مثال، همان مثال پادشاهی است که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام برای سید بحرالعلوم زده است.

پادشاه منصف

روزی پادشاهی با اطرافیانش به شکار رفتند. شاه به اطرافیانش گفت که دوست دارد خودش به تنهایی حیوانی را شکار کند و به دنبال شکار رفت؛ اما در بیابان گم شد و نتوانست راه را پیدا کند. تشنگی و گرسنگی بر او غالب شد. ناگهان از دور چشمش به خیمه‌ای افتاد. پیرمرد و پیرزنی در آن خیمه زندگی می‌کردند که تنها دارایی‌شان یک بز بود. آن دو از شاه پذیرایی کرده و تنها بز خود را برای او ذبح و طبخ کردند. شاه هنگام بازگشت به آنان گفت: در شهر اوضاع مالی خوبی دارم، اگر مشکلی برایتان پیش آمد نزد من بیایید تا کمکتان کنم.

مدتی بعد، آن مرد و زن که کاملاً بی‌چیز شده بودند، به شهر رفتند تا از مهمانشان کمک بگیرند و فهمیدند که او پادشاه آنجا است! به کاخش رفتند و پادشاه آن دورا احترام کرده و نزدیک خود نشانده و داستان گم شدن خود و پذیرایی آن دو را برای اطرافیانش تعریف کرد. سپس از اطرافیانش پرسید: اکنون چگونه می‌توانم لطف این دو نفر را جبران کنم؟

یکی از وزیران گفت: یک گوسفند برای ذبح کردند، تو هم یک گوسفند به آنان بده. دیگری گفت: یک گله گوسفند به آنان بده. شخص دیگری گفت: مزرعه بزرگی به آنان ببخش. دیگری گفت: جواهرات و پول فراوانی به آن دو بده.

پادشاه گفت: این دو نفر تمام هستی خود را برای من خرج کردند و جان مرا نجات دادند. این‌ها حق حیات بر من دارند؛ یعنی من بقیه سلطنتم را بدهکار اینان هستم و حق آنان این است که سلطنتم را به آنان بدهم.



حتی اگر سلطنت و تاج و تخت را بدهم، آن وقت مقابله به مثل کرده‌ام؛ چون آن‌ها هرچه که داشتند به من دادند، من هم باید هرچه دارم به ایشان بدهم.

خاکساری در محضر خدا

این جایگاه ویژه امام حسین علیه السلام در پیشگاه پروردگار بی‌جهت نیست؛ این مقام و این عظمت در خانه رب‌الارباب محصول خاکساری در محضر پروردگار عالم است. اباعبدالله علیه السلام هر آنچه داشت در تطبیق اخلاص گذاشت و با رضایت به محضر معبودش تقدیم کرد و در آخرین آنات و لحظات حیات مبارکش در گودی قتلگاه در اوج عطش و بعد از تحمل مصیبت‌های فراوان سر به سوی آسمان بلند کرد و این‌گونه بارب خویش مناجات کرد: «إِلٰهِي رَضِيَ بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ»^۱. آری! حسین در گودی قتلگاه هم راضی به رضای الهی بود و هیچ چیز را بر رضای خداوند مقدم نداشت.

توصیه شهید توانا به شهید حسن زاده

بسیاری از شهدای گران‌قدر ما با تأسی از همین شیوه سرور و سالارشان اباعبدالله علیه السلام، سعی کردند رضایت خدا را در کارنامه خود داشته باشند. شب عملیات کربلای چهار، اصغر حسن زاده - که بعدها به خیل شهدای شهرستان کازرون استان فارس پیوست - این‌طور دعا می‌کرد: «خدایا مقام شهادت را نصیبم کن»، اصغر توانا هم رزم او که در همین عملیات کربلای ۴ به شهادت نائل آمد، این دعای اصغر حسن زاده را شنید و به او گفت: این‌گونه دعا نکن!

شهید حسن زاده که خودش ناقل این خاطره است، می‌گوید از او پرسیدم پس چگونه دعاکنم؟ ایشان پاسخ دادند بگو خدایا رضایت تو را می‌خواهم،



اگر شهادت است، شهادت؛ اگر اسارت است، اسارت؛ اگر جانبازی است، جانبازی؛ اگر مفقود الاثر شدن است، مفقود الاثر شدن.

یکی درد و یکی درمان پسندد
 یکی وصل و یکی هجران پسندد
 من از درمان و درد و وصل و هجران
 پسندم آنچه را جانان پسندد
 بعدها اصغر حسن زاده نیز در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.^۱ روح هر
 دو شهید با سرورشان حسین علیه السلام محشور باد!

تمام سرمایه در میدان عمل

معیار و ملاک برای خداوند، تنها میزان آورده نیست؛ بلکه قبل از آن که به میزان آورده‌ات نگاه کند، اصل سرمایه و دارایی‌ات را می‌بیند که از این اصل چه میزان از سرمایه‌ات را برای معامله با او به میدان آورده‌ای.

امام حسین علیه السلام تمام سرمایه‌اش را به میدان آورد. وجود نازنین پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی نورانی فرمودند: «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانِ اللَّهُ لَهُ»؛^۲ (هرکس که از برای خدا باشد، خداوند برای اوست). کسی که تمام هستی‌اش را برای خدا هزینه کرده، خدا پاداش اوست. لذا در زیارت نورانی عاشورا خطاب به ابی‌عبدالله علیه السلام می‌خوانیم: «يَا ثَارَ اللَّهِ!» ثارالله یعنی چه؟ یعنی کسی که خداوند منتقم خونش است. آری! امام حسین علیه السلام با خدا معامله کرد و عزیز شد. مگر خداوند متعال در قرآن کریم نفرموده: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛^۳ (همهٔ عزت نزد خداست) و اوست که هرکس را بخواهد و البته خودش هم لیاقت نشان دهد، عزیز می‌کند. اگر به دنبال عزت هستیم، درب خانهٔ رب الارباب را بزنیم.

۱. به نقل از دکتر کاظم دهقان‌یان فرد، دوست شهید حسن زاده.

۲. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۷.

۳. یونس (۱۰): آیه ۶۵.



اجازه بدهید دو دعا کنم همه آمین بگویید: خدایا به حق ثاراللهات به ما توفیق عزتمندی در دنیا و آخرت کرامت بفرما. خدایا به حق آبرومند در خانهات ابی عبدالله علیه السلام، آبروی ما را در دنیا و آخرت حفظ بفرما. (آمین!)

عزیز شدن در محضر خدا

خوشا به حال آنانی که با الگوگیری از ابی عبدالله علیه السلام سرمایه عمرشان را برای خدا هزینه کردند و در محضر خدا عزیز شدند.

چه کنیم نزد خدا عزیز شویم؟ در اینجا راهکاری محضر شما عزیزان عرض می‌کنم تا خیلی زودتر از سایر راه‌ها به مقصد برسید. به هر حال گفته‌اند: «**الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ**»؛ «مؤمن زیرک است». زیرکی به این نیست که خدای ناکرده کلاه سر دیگران بگذاریم؛ بلکه این دلیل کردن خود است. یکی از مصداق‌های زیرکی این است که مسیری را انتخاب کنیم که سریع‌تر از بقیه راه‌ها ما را به عزیز شدن نزد خدا برساند.

راه عزیز شدن

این راهکار را در یک جمله عرض می‌کنم به یادگار از بنده داشته باشید: «زندگی‌مان را با عزیزکرده‌های خدا گره بزنیم.» همان طوری که اصحاب ابی عبدالله علیه السلام زندگی‌شان را با امام حسین علیه السلام گره زدند و عزیز شدند.

زیارت عاشورا حدیث قدسی است؛ یعنی کلام خداست، گرچه در قرآن نیست. خداوند در این زیارت نورانی به ما یاد داده است که در کنار سلام دادن به ارباب بی‌کفن، به اصحابش هم می‌بایست سلام دهیم. چه کسی آن غلام سیاه ابوذر غفاری، یعنی جون را می‌شناخت؟ اما ببینید او امروز در این زمان چگونه بزرگ شده است! این نتیجه پیوستن به خوبان عالم است. خداوند یاد اصحاب ابی عبدالله علیه السلام را در تاریخ ماندگار کرد و به آن‌ها عزت داد. چه عزیز شدنی از این بالاتر که بعد از گذشت هزار و چندی سال



از شهادت اباعبدالله علیه السلام همواره در کنار امام حسین علیه السلام به اصحابش هم سلام می‌دهید؟! این نتیجهٔ گره‌زدن زندگی به سیدالشهدا علیه السلام است. رحمت و رضوان خدا بر ابی‌عبدالله علیه السلام و اصحاب باوفایش!

به حرم حسین علیه السلام برویم و متوسل شویم و از حضرت بخواهیم که به ذهن‌مان بیندازد که چطور زندگی‌مان را با اهل بیت علیهم السلام گره‌بزنیم؛ گره‌ی که باز شدن در کارش نباشد. باید زندگی‌مان یک خط و ربطی به اهل بیت علیهم السلام پیدا کند؛ مخصوصاً مهدی فاطمه عزواتهما که امام‌زمان ما هستند. خوش به حال کسانی که دائم به فکر امام‌زمانشان هستند و از هیچ کاری برای رضایت امامشان دریغ نمی‌کنند؛ دقیقاً مثل کاری که اصحاب سیدالشهدا علیه السلام انجام می‌دادند. احساس می‌کنم برای این‌که پیاده‌روی‌ها به بهترین وجه قبول شود و ذخیره قبر و قیامت شود، باید به نیابت از امام‌زمان عزواتهما قدم برداریم. یاران سیدالشهدا علیه السلام غرق در یاد مقدس آن حضرت بودند. ما چرا در این ایام اربعین غرق در یاد امام‌زمان عزواتهما نباشیم؟ چرا وقتی امام‌زمانمان این قدر بنابر نقل‌های مختلفی که شنیده‌ایم - از ما انتظار دارد که برای ظهورش تلاش کنیم و علاوه بر آن دعا کنیم، به دنبال مسائل دیگر باشیم؟

ولایت‌گر که شد معیار و روضه‌گر که شد مقیاس

برای شیعیان کردند شاخص انتظارش را

شده کرب و بلا آینه‌ای از منتظرها پس

کشیده موقع جان دادن، عابِس انتظارش را

روضه

حرکت اربعین، یادآور ایام اسارت حضرت زینب کبری و اهل بیت اباعبدالله علیه السلام است. چهل منزل این زن و بچه‌ها در غل و زنجیر بودند؛ علاوه بر مصیبت عظمای اباعبدالله علیه السلام، بین نامحرم بودن خیلی موجب اذیت این خانواده می‌شود. ای کاش همانند یاران اباعبدالله علیه السلام، افرادی در آنجا حضور داشتند که از ناموس آل‌الله علیهم السلام دفاع کنند. یکی دو بیت



زبان حال اهل بیت علیهم‌السلام اباعبدالله بخوانم و گریه کنیم؛

زینب و کوچه و بازار کجا!

زینب و این همه آزار کجا!

روضه‌ها را باز نمی‌کنم؛ فقط با شعر اشاره کنم و بگذرم؛

زینب و مجلس اغیار کجا!

زینب و تشمت و سربار کجا!

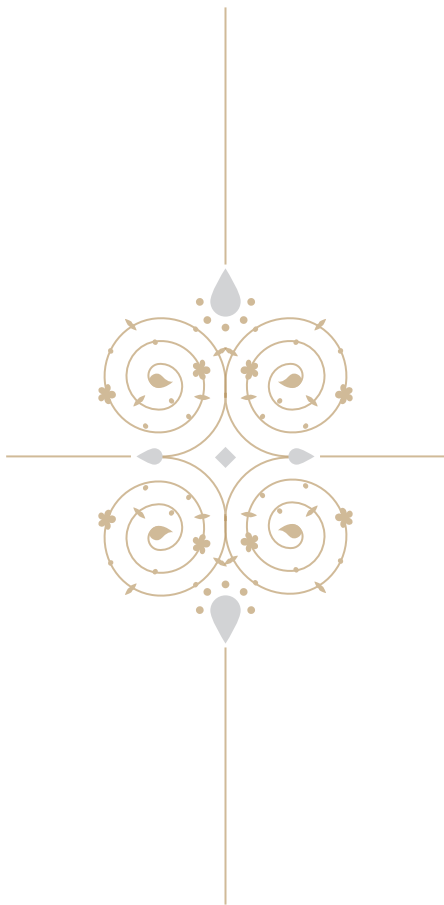
بیشتر از این نمی‌شود روضه‌های حضرت زینب را با جزئیات خواند؛
همین مقدار کفایت می‌کند.

میان همه دل‌ها، امان از دل زینب! چه خون شد دل زینب! **أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.**



بخش چهارم

کربلای مقدسه





عقد اخوت


اتحاد و اخوت امت اسلام زیر پرچم امام حسین علیه السلام، رمز پیروزی امت اسلام

زندگی با زیارت عاشورا

در سند زیارت عاشورا آمده است که وجود نازنین امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابشان به نام صفوان می‌فرماید: «زیارت عاشورا را بخوان و در خواندن آن استمرار داشته باش که من به خواننده آن چند چیز را تضمین می‌کنم» سپس، حضرت آن موارد را بر می‌شمارند: «زیارت او قبول، تلاشش مشکور و حاجت وی از جانب خداوند متعال برآورده می‌شود و با دست خالی باز نخواهد گشت»

چه چیزی از این بهتر که زیارتان قبول و تلاشمان مورد سپاس‌گذاری و بالاتر از همه، حاجتمان برآورده شود؟!

آن‌گاه حضرت ادامه دادند: «ای صفوان! این را با ضمانتی از پدرم، و پدرم از امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از حضرت رسول صلی الله علیه و آله، و رسول خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل، و جبرئیل از خداوند عزوجل دریافت نموده. هر یک از آن‌ها این زیارت را با این ضمانت تضمین نمودند. خداوند عزوجل به ذات اقدس خود قسم خورده که هرکس زیارت کند حسین علیه السلام را به این زیارت از نزدیک



یا دور، و دعا کند به این دعا، زیارت و دعای او را قبول می‌کنم و خواسته‌اش هرچه باشد برآورده سازم. پس از درگاه من با ناامیدی و زبان باز نگردد و او را به برآمدن حاجتش، و رسیدن به بهشت و آزادی از دوزخ خرسند و خوشحال می‌کنم و شفاعت او را در حق هرکس که شفاعت کند، بپذیرم.»^۱
چه عظمتی دارد این زیارت نورانی نزد خدا و پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام!

سَلِّمْ در زیارت عاشورا

نمی‌دانم چقدر روی عبارات این زیارت نورانی تأمل کرده‌اید! حتماً آگاهید که این فیض عظیم از احادیث قدسی است؛ یعنی گرچه عباراتش در قرآن نیامده ولی الفاظش را خدا فرموده و به واسطهٔ اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده است. بعضی از فرازهای این زیارت اگر عمیقاً ملاحظه شود، این قابلیت را دارد که مسیر زندگی‌مان را به کلی تغییر دهد. امروز می‌خواهم پیرامون یکی از فرازهای بسیار مهم و راهگشای این زیارت شریف صحبت کنم؛ فرازی که با آن آشنا هستید و بارها آن را زمزمه کرده‌اید، یعنی فراز: «**إِنِّي سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ**».^۲

این فراز مفهوم عظیم و سنگینی دارد و محتاج نگاه عمیق به این زیارت هستیم. اجازه دهید همین اول جلسه دعایی کنم، همه آمین بگویید: خدا یا ما را با معارف دین خصوصاً زیارت نورانی عاشورا عمیقاً آشنا بفرما. (آمین!)

در این فراز چه می‌گوییم؟ در این فراز اقرار می‌کنیم که یا ابا عبدالله علیه‌السلام نه تنها با شما، بلکه با هرکس که از در سلم بر شما وارد شود، در سلم هستیم. سلم یعنی چه؟ سلم یعنی صلح و آشتی.^۳ بنابراین، «**إِنِّي سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ**» یعنی یا ابا عبدالله علیه‌السلام ما نه تنها با شما در صلح و آشتی هستیم، بلکه با هرکس که با شما در صلح و آشتی باشد، در صلح و آشتی

۱.. مفاتیح الجنان.

۲.. زیارت عاشورا.

۳.. المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۴۰.



هستیم. این خیلی حرف بسیار بزرگی است! به این جهت می‌گوییم حرف بزرگی است که خروجی این فراز نورانی ساختن یک امت واحد و هم‌صدا و همدل، با مسیری مشخص و واحد و دارای فرماندهی واحد می‌باشد.

توصیه به اتحاد امت اسلام

مسئله اتحاد امت اسلام امری است که بسیار مورد توجه شارع مقدس بوده و در آیات قرآن بدان توجه شده است. دو آیه محضر عزیزان تقدیم می‌کنم که در آن‌ها هم امر به وحدت است و هم نهی از تفرق:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۱ (و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید.)

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ»^۲ (و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ [آن هم] پس از آن‌که نشانه‌های روشن [پروردگار] به آنان رسید.)

اگر دقت کنیم توصیه به اتحاد امت اسلام را در بسیاری از آیین‌های اسلامی می‌بینیم. شما همین مسئله حج را نگاه کنید؛ دستور به این‌که امت اسلام در یک موعد مشخص، در مکانی مشخص، همه با پوششی یکسان و وظایف و آدابی یکسان تجمع کنند، نشان از اهمیت اتحاد، همدلی و یک‌صدایی امت اسلام در نظر شارع مقدس دارد.

در جوامع و در بین امت‌ها و میان افراد، سلیق و دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی وجود دارند. قطعاً در همین جمعی که الان کنار هم هستیم، هرکدام از ما دارای فرهنگ، زبان، آداب و رسوم و دیدگاه‌های متفاوتی می‌باشیم؛ اما خداوند ما را امر کرده که در عین تفاوت‌هایی که داریم در مسیری خاص با هم یکدل، یک‌صدا و هم‌عهد و پیمان شویم و یک امت واحد را تشکیل دهیم.

۱... آل عمران (۳): آیه ۱۰۳.

۲... همان، آیه ۱۰۵.



اکنون از شما می‌پرسم که چه اتفاقی افتاده و چه شده که اینجا دور هم جمع شده‌ایم؟ یک نقطهٔ مشترک و یک حلقه وصل! ما یک وجه مشترک به نام حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَامُ داشته‌ایم که اینجا در این شرایط سخت، در این گرمای سوزان گرد هم آمده‌ایم.

حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، حلقه وصل

آن نقطهٔ مشترکی که امروز ما را در این شرایط سخت و گرمای سوزان در اینجا جمع کرده است و حلقهٔ وصل ما شده است، وجود نازنین ابی‌عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ، فرزند رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. سلم و آشتی و صلح با دوستان حسین، همهٔ ما را زیر این خیمهٔ وسیع جمع کرده است؛ مگر نفرمودند: «إِنَّ الْحُسَيْنَ **مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ**!» (حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.)

عقل بشر از درک تو موات است، حسین
 نام تو کلید مشکلات است، حسین
 در شأن تو این بس که رسول اکرم
 فرمود: سفینه النجاة است، حسین^۲

امروز به این چراغ هدایت و کشتی نجات به شدت محتاج و نیازمندیم؛ این کشتی ظرفیت بسیار وسیعی دارد.

اگر این فراز از زیارت عاشورا که فرمود: «إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلَكُمْ» در جوامع و میان ملت‌ها و امت‌های مسلمان عملیاتی بشود، چه انس و الفت و اتحادی اتفاق خواهد افتاد!

۱... سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲... مهدی آصفی.



تلاش حاج قاسم سلیمانی در راستای اتحاد

خداوند بر مقامات شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی بیفزاید که این انسان بزرگ‌مرد چقدر برای تحقق این اتحاد و همدلی جبههٔ اسلام، صادقانه تلاش کرد و با عملش در میدان‌های نبرد، زمینه را برای انس و الفت بیشتر بین امت‌های مسلمان فراهم کرد. رئیس جمعیت علمای اهل سنت عراق در یکی از سخنرانی‌های خود^۱ به این مسئلهٔ مهم تصریح می‌کند و می‌گوید: «آن کسی که اجازه نداد در آن دشواری‌ها شهر بغداد سقوط کند و به دست تروریست‌های داعشی بیفتد، کسی جز حاج قاسم سلیمانی نبود؛ هرچند بسیاری از مردم آنجا اهل تسنن بودند.»

این مصداق اتحاد و برادری و همدلی است. البته تلاش او فقط در کمک به مردم عراق نبود، بلکه در صحنه‌های دیگر هم با همین برادری و همدلی حضور پیدا کرد و عاشقانه تا زمان شهادت به این مجاهدت‌ها ادامه داد.

خاطره خلبان جمعی از سردار سلیمانی

سردار سلیمانی همواره نگاهش به مسلمانان اهل سنت، به‌عنوان یک برادر بود. سرهنگ بازنشسته، خلبان ارتش، حسین بهزاد جمعی در خاطراتش از حاج قاسم می‌گوید:

«یک روز قرار شد از یکی از شهرهای سیستان بازدید داشته باشیم. من ایشان (حاج قاسم) را دیدم، گفتم جایی تشریف می‌برید؟ گفتند: بله، به منزل برادرم برای نماز می‌روم. به من گفت بیا برویم. من گفتم نه مزاحم شما و خانواده نمی‌شوم. با اصرار دوبارهٔ ایشان، من هم همراه شدم. به مقصد که رسیدیم، دیدم به مسجد اهل تسنن رفتند و نماز را آنجا خواندند و فهمیدم منظور ایشان از برادر، برادران اهل سنت است. آن زمان واقعاً این حرکات برای ما قابل درک نبود و الان متوجه می‌شویم این نوع برخورد؛ یعنی چه!»^۲

۱... مشاهده کلیپ به آدرس: <https://www.alef.ir/news/html?show=text.۳۹۹۰۸۱۰۰۲۴/>

۲... خبرگزاری فارس، به آدرس: <http://fna.ir/atkowv>



امروز هم باید به تاسی از حاج قاسم سلیمانی و محور قرار دادن سِلْمی که زیارت عاشورا به ما درس می‌دهد و شعار «حیاتا الحسین»، زیر بیرق و پرچم مقدس و نورانی ابی‌عبدالله عَلَيْهِ السَّلَام هم عهد و پیمان شویم و دل‌هایمان را به هم نزدیک کنیم. اگر ملت‌ها و امت‌های مسلمان به این فهم عمیقی که زیارت عاشورا به ما درس می‌دهد برسند، قطعاً یک قدم به ظهور نزدیک خواهیم شد.

نیاز امت اسلام به اتحاد و همدلی

امروز جوامع اسلامی به شدت محتاج این همدلی، هم‌صدایی و هم‌عهدی هستند.

اگر این اتحاد و همدلی پُررنگ و گسترده شود، بسیاری از مشکلات و موانعی که امروز بر سر راه جوامع اسلامی و ملت‌های مسلمان وجود دارد، برطرف خواهد شد؛ و این آن چیزی است که دشمنان از آن واهمه دارند و دائماً برای برهم‌زدن آن و ایجاد اختلاف و تفرقه بین ما تلاش می‌کنند. این را بدانیم و تردید نکنیم که این کنار هم جمع شدن و یک‌صدا شدن، خوار چشم دشمنان است.

یا ابا عبدالله! اگر امروز در کنار مرقد نورانی و باصفای شما دور هم جمع شده‌ایم، یقیناً بی‌لطف و توجه شما نبوده است؛ شما خواستید که ما اینجا باشیم.

لطف حسین ما را تنها نمی‌گذارد

گر خلق وا گذارند، او وا نمی‌گذارد

او کشتی نجات و کشتی شکسته مائیم

مولی به کام غرقاب ما را نمی‌گذارد

آقا جان! عنایتی کنید که دل‌هایمان هرچه بهتر و بیشتر به هم نزدیک شود و جبهه‌ای متحد برای مقدمه‌سازی ظهور فرزندان مهدی



فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ شکل بگیرد.

آمادگی برای یاری مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ

ان شاء الله برسد آن روزی که زیر پرچم حجت بن الحسن عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ، منتقم خون حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، یکدل و یک صدا و در یک جبهه واحد، نوکری و انجام وظیفه کنیم. برای این امر مهم، باید همین امروز خودمان را آماده کنیم، باید کینه‌ها، عداوت‌ها، اختلاف سلیقه‌ها، منیت‌ها و خودخواهی‌ها را از دلمان بزاییم، و باید مشکلات و گرفتارهای مسلمانان جهان را در هر کجا که هستند و با هر ملیت و قومیتی، مشکل و گرفتاری خودمان بدانیم. سردار حاج قاسم در وصیت به دخترش می‌نویسد: «خود را سرباز در خانه هر مسلمانی می‌بینم که در معرض خطر است و دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم»^۱. باید خودمان را یک جبهه واحد و به مثابه یک پیکر ببینیم، که:

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

از حاج قاسم سلیمانی عزیز درس بگیریم که نگاهش به مسلمانان دنیا به مثابه یک امت واحد بود. در بیانات این شهید بزرگوار آمده است^۲ که گرچه فلسطین ۹۹٫۹ درصد اهل تسنن است؛ اما ما از مردم فلسطین دفاع می‌کنیم. این تفکری است که امروز ما بدان نیازمند هستیم، این تفکر حاج قاسم است که بعد از شهادتش همه را عزا دار و دل‌تنگ می‌کند؛ اگر این‌گونه فکر و عمل کردیم، حتماً در مسیر «إِنِّي سَلِّمٌ لِّمَن سَأَلَكَمَّ» قرار خواهیم گرفت.

۱.. خبرگزاری دانشجویان ایران، به آدرس: isna.ir

۲.. مشاهده کلیپ، به آدرس: <https://www.entekhab.ir>



پیمان اخوت

به یاد آن عهد و پیمانی که اصحاب ابی‌عبداللّه علیه السلام شب عاشورا با حضرت بستند که تا آخرین لحظه در کنار ایشان بمانند، بیایید ما نیز برای یکپارچگی امت اسلام هم‌عهد و پیمان شویم که هر آنچه از دستمان برمی‌آید، انجام دهیم. امیدواریم ابی‌عبداللّه علیه السلام به همهٔ ما مدد دهند تا بتوانیم خدمتگزار اسلام و مسلمین باشیم.

برای این که دل آقا جانمان ابی‌عبداللّه علیه السلام و فرزند نازنین‌شان صاحب‌الزمان عزّه الله تعالی را به این اتحاد و همدلی و برادری گرم کنیم، و برای اعلام آمادگی‌مان به ایشان، همهٔ عزیزان دست‌هایمان را به هم حلقه کنیم و سه مرتبه یک صدا و همدل بگوییم: «لبیک یا حسین!».

روضه

زائران عزیز! یادتان هست چقدر دلتنگ بودید برای زیارت و قدم گذاشتن در بین‌الحرمین! چقدر دعا کردید که بتوانید در بهشت‌عالی کربلای معلی بیایید و روضه بخوانید و برای ارباب بی‌کفن گریه کنید! إن شاء الله با این گریه صفای باطن پیدا کنیم و به حقیقت‌ها دست پیدا کنیم؛ به عنایت حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام!

الان وقتش است که این شعر قدیمی را با هم بخوانیم و از همهٔ جاماندگان زیارت و اموات و حق‌داران یاد کنیم:

کربلا کعبهٔ دل‌هاست خدایم دانند

دیدنش آرزوی ماست خدا می‌داند

اولین گریه‌کن مجلس پُرفیض حسین

مادرش حضرت زهراست خدایم دانند

نمی‌دانم با کدام روضهٔ اباعبداللّه علیه السلام بیشتر می‌سوزید؛ اما من از زبان حضرت صاحب‌الزمان عزّه الله تعالی یک خط روضه بخوانم، إن شاء الله مورد دعای حضرت زهرا علیها السلام قرار بگیریم:



«السَّلَامُ عَلَى الْمُرْمَلِ بِالدِّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُهْتُوكِ الْحَبَاءِ!»؛ (سلام بر کسی که در خونش غلتید، سلام بر کسی که خیمه‌گاهش هتک حرمت شد.) در همین سرزمین بود که پسر دختر پیامبر غریبانه در گودال قتلگاه بلب تشنه شهید شد. یا صاحب‌الزمان! همین جا بود که زینب کبری ع بی‌برادر شد، بی‌یاور شد. بمیرم برات یا زینب!

امان از آن لحظه‌ای که دشمن گروه‌گروه به سمت خیمه‌های اهل بیت اباعبدالله ع حمله کرد و به بانوان حرم جسارت‌ها کردند. **الْأَلَعْنَةُ لِلَّهِ عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.**





تاریخ عبرت‌ساز

از تاریخ گذشتگان به عنوان چراغ راه مسیر آیندگان باید از آن بهره گرفت

عاشورا در نگاه رهبری

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای علیه السلام در رابطه با اتفاقات و مباحث عاشورا سه بحث عمده را مطرح کردند:

بحث علل و انگیزه‌های قیام امام حسین ؛ چرا امام حسین قیام کرد؟
بحث درس‌های عاشورا؛ یک بحث جاودانه و همیشگی است و منحصر به زمان خاصی نیست.

بحث عبرت‌های عاشورا؛ مخصوص زمانی است که اسلام حاکمیت داشته باشد. حداقل این است که بگوییم عمده این بحث مخصوص به زمان ما، کشور ما و برای عبرت گرفتن ما است.

چطور شد که جامعه اسلامی به محوریت پیامبر عظیم‌الشان، با آن همه عشق مردم به او، ایمان عمیق مردم به او، جامعه سرتاپا حماسه و شور دینی، به این مرحله از سنگدلی و بی‌رحمی رسید؟! چطور شد که همین جامعه ساخته و پرداخته، همان مردم که حتی بعضی از آن‌ها دوره‌های

نزدیک به پیامبر رادیده بودند، بعد از پنجاه سال کارشان به آنجا رسید که فرزند همین پیامبر را با فجیع‌ترین وضع به شهادت رساندند؟! حضرت آقا ﷺ فرمودند:

«عمده این بحث، مخصوص به این زمان است؛ یعنی زمان ما و کشور ما، که عبرت بگیریم. ما باید از تاریخ مخصوصاً تاریخ کربلا عبرت بگیریم. اصلاً شاید یکی از دلایل اصلی قدم گذاشتن در این راهپیمایی جهانی و پیاده‌روی، عبرت‌گیری و مرور اشتباهات تاریخ و درس‌آموزی است. ما باید از تاریخ و سرگذشت پیشینیان درس و عبرت بگیریم.»

تاریخ گذشته در قالب داستان در قرآن کریم

در فهرست یکی از کتاب‌هایی که با عنوان «قصه‌های قرآنی» به چاپ رسیده است دیدم که نزدیک به صد داستان در قرآن ذکر شده است. حتی برخی تا دویست داستان هم ذکر کرده‌اند، یعنی حدود یک چهارم قرآن! در یک نگاه، گویی قرآن کتاب بیان داستان و تاریخ گذشتگان است. در این کتاب نورانی داستان ۲۵ پیامبر الهی (از حضرت آدم تا حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام) داستان‌های اصحاب مختلف مثل اخدود، رس، رقیم، فیل، کهف، ذوالقرنین و غیره آمده است؛ و حتی محتوای بعضی از داستان‌ها، چندین مرتبه با عبارت‌های گوناگون ذکر شده، مثل داستان حضرت موسی که نزدیک به سی مرتبه در این مصحف نورانی آمده است. پرسشی که ممکن است ذهن شما را به خود مشغول کرده باشد این است که هدف از بیان این داستان‌ها چه بوده؟! مگر قرآن کتاب داستان است؟! چه سزای در آن نهفته است؟ چه حکمتی می‌تواند داشته باشد؟!

قرآن و بیان تاریخ

یقیناً غرض از بیان این داستان‌ها سرگرم کردن ما نبوده است؛ چراکه این نه با حکمت خداوند سازگار است و نه با هدف این معجزه الهی. هدف از بیان این



داستان‌ها چیزی جز عبرت‌گیری ما انسان‌ها نبوده است؛ به همین دلیل قرآن امر می‌کند به این که در زمین بگردید و از تاریخ گذشتگان عبرت بگیرید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ»؛ (بگوروی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات الهی چه شد؟!)

به تعبیر یکی از خطبا، مادر بزرگ‌ها قصه می‌گویند تا به خواب برویم، اما قرآن قصه می‌گوید تا از خواب غفلت بیدار شویم.

توصیه امیرالمؤمنین علیه السلام به مطالعه تاریخ

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه در سفارش به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

«پسر من! درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آن‌ها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم، تا آنجا که گویا یکی از آنان شده‌ام؛ بلکه با مطالعه تاریخ آنان، گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام.»^۲

اشتباه تاریخ با قصه

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در یکی از بیاناتشان در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ رسول الله می‌فرماید:

«تاریخ را با قصه اشتباه نکنیم. تاریخ یعنی شرح حال ما در صحنه‌های دیگر، تاریخ یعنی من و شما؛ یعنی همین‌هایی که امروز اینجا تاریخ را می‌گوییم. هر کدامان باید نگاه کنیم و ببینیم در کدام قسمت داستان قرار گرفته ایم.»^۳

۱. انعام (۶): آیه ۱۱.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱. «أَيُّ بُنَىٰ إِنِّي وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُصْرَتُ عُمَرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَّرْتُ فِي أَحْبَابِهِمْ وَسِرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّىٰ عَدْتُ كَأَحَدِهِمْ بَلْ كَأَنِّي بِمَا نَتَهَىٰ إِلَيْ مِنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُصْرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَىٰ آخِرِهِمْ»

۳. دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ رسول الله، دفتر حفظ نشر و آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای به آدرس:



تکرار تاریخ کربلا

اگر امروز تاریخ کربلا را می‌گوییم، از امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و صاحبش یاد می‌کنیم، از یزید و یزیدیان، از عمر بن سعد و شمر و دیگران سخن می‌گوییم و حوادث و جریانات آن زمان را مرور می‌کنیم، صرفاً برای قصه‌گویی نیست، بلکه برای این است که «کُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَ كُلُّ اَرْضٍ كَرْبَلَا»؛ یعنی تاریخ دائماً در حال تکرار است. مرور جریانات کربلا برای این است که دیگر هیچ امامی این‌گونه مظلومانه و غریبانه بی‌یار و یاور در این دشت غریب تنها نماند و این‌گونه ناجوانمردانه به شهادت نرسد و اهل بیتش به اسارت برده نشود. تاریخ کربلا پر از عبرت‌هایی است که می‌تواند مسیر زندگی‌مان را کاملاً تغییر دهد. آیا به دیدهٔ عبرت به حوادث و اتفاقات کربلا می‌نگریم؟!

داستان هرثمه

هرثمه یکی از یاران امیرالمؤمنین علیه السلام بود؛ اما او به لشکر عمر بن سعد پیوست و تا روز عاشورا در سپاه دشمن بود. هرثمه در ضمن بیان خاطراتش، می‌گوید: «در شمار لشکریان عبیدالله بن زیاد بودم. روز عاشورا در کربلا با دیدن درختی به یاد خاطره‌ای افتادم و این تجدید خاطره موجب دگرگونی من و عامل جدایی‌ام از لشکر عمر بن سعد شد:

هرثمه به همراه سپاهیان امام علی علیه السلام در جنگ صفین شرکت کرد. در بازگشت، سپاه امام در کربلا توقف نمود. هرثمه می‌گوید: پس از برپایی نماز صبح، حضرت امیر علیه السلام مشتی از خاک کربلا را برداشت و آن را بوید و فرمود: «وَاهَا لَكَ أَيُّهَا الثَّرْبَةُ لِيُخْشِرَنَّ مِنْكَ أَقْوَامٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ ... بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ (ای خاک! همانا از تو مردمی محشور می‌شوند که بدون حسابرسی وارد بهشت می‌گردند.)

هرثمه می‌گوید: هنگامی که به سرزمین کربلا رسیدم به یاد آن حدیث افتادم، بر شترم نشستم و به سمت امام حسین علیه السلام رفتم. بعد از عرض



سلام، حدیثی که از پدر والای ایشان شنیده بودم را بازگو کردم. امام علیه السلام فرمود: «با ما هستی یا بر ضد ما؟» گفتم: «نه با شما هستم و نه بر شما! دخترانم را در شهر نهاده‌ام و از این زیاد برایشان نگرانم.»

حضرت در پاسخ فرمود: «فامض حیث لاتری لنا مقتلا و لاتسمع لنا صوتا، فوالذی نفس حسین بیده لایسمع الیوم واعیتنا احد فلا یعیننا الا اکبه الله بوجهه فی جهنم!»^۱ (برو! تا آن‌که قربانگاه ما را نبینی و صدای ما را نشنوی. قسم به آن‌که جان حسین در دست اوست، اگر کسی امروز صدای ما را بشنود و به یاری مان نشتابد، هرآینه خداوند او را با صورت در دوزخ می‌افکند.)

دعایی می‌کنم همه آمین بگوئید: خدایا روزی را نیاور که ما ندای «هَلْ مِنْ ناصِرٍ» اماممان را بشنویم و او را یاری نکنیم. (آمین!)

ببینید دل بستگی هرثمه به زن و فرزند با او چه کرد! زن و فرزند امام حسین علیه السلام و سایر بنی هاشم را در صحنه بحرانی کربلا دید، اما به بهانه نگرانی حال فرزندانش از همراهی با حجت خدا روی گردان شد.

داستان بشیر بن عمرو حضرمی

در همین کربلا افرادی بودند که وقتی ابی‌عبدالله علیه السلام بیعتش را از آن‌ها برداشت نیز حاضر نشدند از حضرت جدا شوند. بشیر بن عمرو حضرمی از این دسته اصحاب ابی‌عبدالله علیه السلام است. در روز عاشورا به او خبر رسید که پسرش در مرز ری اسیر شده است و امام حسین علیه السلام با شنیدن این خبر، بیعت خود را از او برداشت تا برای رهایی پسرش راهی ری شود. اما او نه تنها نپذیرفت، بلکه بیعتش را با حضرت محکم‌تر کرد و عرضه داشت: «درندگان مرزنده‌زنده بخورند اگر از شما جدا شوم و شما را با وجود اندک بودن یاران، تنها گذارم و بخوادم سراغ شما را از کاروان‌ها بگیرم.»^۲

هرثمه آن‌گونه و بشیر این‌گونه! ما کدام طرفی هستیم؟!

۱... انوار النعمانیه، ج ۳، ص ۲۴۱.

۲... ابصار العین فی أنصار الحسین، ص ۱۷۴.



نتیجهٔ عدم آمادگی

عزیزان! تردید نکنید که اگر در خودمان ایجاد آمادگی نکرده باشیم سر بزنگاه امتحانات پیمان می‌لغزد. در اشتباه است آن کسی که گمان می‌کند آن شخص چون نامش هرثمه است امام عَلَيْهِ السَّلَامُ را یاری نکرده، و با خود بگوید من نامم هرثمه نیستم. زهی خیال باطل! بدانیم اگر در ماهم حس دنیاخواهی و عافیت‌طلبی وجود داشته باشد همان گونه که در هرثمه بود، گرچه ناممان هرثمه نیست اما به سرنوشت او دچار خواهیم شد.

«هر کس از تاریخ عبرت نگیرد؛ تاریخ او را آینهٔ عبرت دیگران می‌سازد.»

عرضهٔ خودمان به کربلا

خوشا به حال آنانی که با دیدهٔ عبرت به حوادث و اتفاقات کربلا نظر می‌کنند. باید به اتفاقات و حوادث کربلا به‌عنوان یک تست شخصیت‌شناسی نگاه کنیم؛ خودمان را عرضه کنیم و ببینیم خروجی آن چیست؛ حبیب‌بن‌مظاهر، بشیربن‌عمرو حضرمی، سلیمان‌بن‌صرد خزاعی، حر، هرثمه و یا خدای ناکرده عمر بن سعد و افرادی از این جنس؟

این کار بدون هزینه و بسیار آسان و البته بسیار راهگشا است. کدام کار؟ این که خودمان را به کربلا عرضه کنیم.

اولاً، باید خصوصیاتمان را شناسایی کنیم. هیچ‌کس بهتر از خودمان ما را نمی‌شناسد؛ همان گونه که خداوند متعال در قرآن کریم فرمود: «**إِنْسَانٌ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ**»؛ ببینیم چه خصوصیتی داریم:

آیا حس خداخواهی در ما هست یا حس دنیاخواهی از درونمان شعله می‌کشد؟

آیا حاضریم برای خدا از دنیا بگذریم؟

آیا آمادگی یاری امام زمانمان را داریم؟



در نبود امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجْهَ الشَّرِيفِ تا چه اندازه از نأبش حرف شنوی داریم و او را یاری می‌دهیم؟

و برخی سؤالات دیگر.

ثانیاً، این خصوصیات را به شخصیت‌های کربلا عرضه کنیم و ببینیم با کدام یک هم‌خوانی بیشتری دارد. اگر با شخصیت‌های سپاه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ تطبیق کرد، خدا را شکر کنیم و در حفظ این شخصیت بکوشیم؛ و اگر خدای ناکرده فردی را خروجی داد که در سپاه مقابل امام است، تا دیر نشده در صدد اصلاح خودمان برآییم و در این مسیر از مولایمان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ کمک بخواهیم.

روضه

انسان وقتی در کربلاست و مجاور حرم ارباب بی‌کفن، همه روضه‌هایی که در مجالس شنیده است را در ذهنش تداعی می‌کند. مداحان عزیز در مجالس چقدر برایمان از کربلا و بین‌الحرمین می‌خوانند؛

یَهْ خِیَابُونِ بَهْشْتِی
اسْمِش بَیْنِ الْحَرَمِیْنِ
هَرْ كَجَاشْ كَهْ پَابِذَارِی
جَا قَدَمِ هَا یِ حَسِیْنِ
یَهْ طَرْفِ حَرِیْمِ مَقْطُوعِ الْیَدِیْنِ
و یَهْ طَرْفِ حَرِیْمِ اَرْبَابِمْ حَسِیْنِ

حالا که در کربلا هستیم، می‌خواهم به روضه‌ای اشاره کنم که دل هر انسانی را به درد می‌آورد و اشک از چشم‌ها سرازیر می‌شود «السَّلَامُ عَلَى الطِّفْلِ الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ»^۱ سلام بر طفل شش‌ماهه شیرخواره شیرین‌زبان؛ کوچک‌ترین سرباز وفدایی اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ!



اباعبدالله علیه السلام قنداقه نازدانه را روی دست گرفته بود. بعضی مقاتل نقل کردند اباعبدالله علیه السلام صدا زد: «يَا قَوْمِ، إِنْ لَمْ تَرْتَمُونِي فَارْتَمُوا هَذَا الطِّفْلَ!»؛ اگر به من رحم نمی‌کنید، به این شش‌ماههٔ زبان‌بسته رحم کنید که از شدت عطش رنگ از صورتش پریده و ضعف بر او غالب شده است. یا صاحب‌الزمان شما بر ما نظر کنید!

به روی دست پدر، جان به ره جانان داد

جان عالم به فدایش که چه جایی جان داد

مقاتل نقل کردند: حرمهٔ معلون تیر سه‌شعبهٔ جنگی و زهرآلود را به هدفی گلوی نازک علی‌اصغر علیه السلام از چلهٔ کمان رها کرد. یا الله! همین یک جمله برای ما بس باشد «فَدَيْحِ الطِّفْلِ مِنَ الْأُذُنِ إِلَى الْأُذُنِ»؛ گوش تا گوش علی‌اصغر در اثر تیر سه‌شعبه بریده شد؛ سر یک طرف، تن یک طرف!

خدا یا به شهید شش‌ماههٔ کربلا؛ عَجَلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجِ.



من شیعه‌ام؟!

اهمیت عنصر مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تشیع

روایت امام عسکری از زاویه‌ای دیگر

بحثم را با روایتی آغاز می‌کنم که شاید خیلی از شما روی این روایت حساب باز کرده‌اید؛ روایتی که به حضور ما در اینجا گره خورده است. می‌خواهم بحثی را در مورد این روایت شریف مطرح کنم که قدری فضای ذهنی شما را نسبت به این روایت به هم خواهد ریخت و چه بسا نوع نگاه شما را به این کلام نورانی عوض کند. اما آن روایت، کلام وجود نازنین امام حسن عسکری پیرامون علامات شیعه است که در آن به برشمردن پنج خصوصیت شیعه می‌پردازد و می‌فرمایند: «نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: پنجاه رکعت نماز نافله، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، جبین را در سجده بر خاک گذاردن، **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** را در نماز بلند گفتن.»^۱

۱. قال ابو محمد الحسن العسکری علیه السلام: «علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسين، و زیارة الأربعین و التختُّم فی الیومین، و تعفیر الجبین و الجهُّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۵)

اثبات شیعه بودن

همان طور که ملاحظه کردید امام در این کلام گه‌گه‌بار از علامات شیعه سخن می‌گویند که در ظاهر هر کس که این علامات پنج‌گانه را داشته باشد، باید او را شیعه دانست. آن نکته‌ای که عرض کردم دقیقاً پیرامون همین مطلب است که آیا می‌توان با این روایت شیعه بودن کسی را اثبات کرد؟ پاسخ بنده این است که با این روایت نمی‌توان شیعه بودن کسی را اثبات کرد. حتماً می‌پرسید چرا؟ آخر خود امام به صراحت می‌فرمایند زیارت اربعین از علامات شیعه است!

تحلیل روایت امام عسکری علیه السلام

بله، ظاهر کلام ایشان همین را می‌رساند؛ اما باید دید که حضرت چه غرضی را از این کلام نورانی دنبال می‌کرده‌اند. سخن حضرت به این معنا نیست که زیارت اربعین برای اثبات شیعه بودن کفایت می‌کند. به تعبیر بزرگان دین این چنین روایاتی در مقام حصر نیست. به بیان دیگر، روایت نمی‌خواهد بگوید که شیعه همین پنج علامت را دارد و لا غیر، و یا این که اگر در رفتار کسی این پنج علامت را مشاهده کردید حتماً او را شیعه بدانید؛ بلکه امام می‌خواهند بفرمایند زبنده است شیعه این پنج علامت را هم در کنار دیگر ویژگی‌ها داشته باشد. پس ما نمی‌توانیم برای اثبات شیعه بودن خودمان به این روایت استناد کنیم. این زیارت و این پیاده‌روی و این عزاداری‌ها خیلی ارزشمند است، اما به تنهایی نمی‌تواند ما را در زمرهٔ شیعیان قرار دهد.

حاج آقا شما دلیلی هم برای این ادعا دارید؟

بهترین دلیل همین است که امروز در این زیارت اربعین افرادی را می‌بینید که شیعه و مسلمان نیستند، اما مشتاقانه برای حضرت عزاداری و نوحه‌سرایی می‌کنند و بر سر و سینه خود می‌زنند. بنابراین، برای اثبات شیعه بودن خودمان نمی‌توانیم به این گریه و عزاداری استناد کنیم که اگر این دلیل شیعه بودن ما است پس فرق ما با غیر شیعیان که آن‌ها هم اهل عزاداری و نوحه‌سرایی برای ابی‌عبدالله علیه السلام هستند، چیست؟



شیعه در کلام امام صادق علیه السلام

محبت حسین علیه السلام را داشتن غیر از شیعه حسین علیه السلام بودن است. هر شیعه‌ای محبت حسین علیه السلام را در دل دارد؛ اما این‌گونه نیست که هرکس محبت حسین علیه السلام را در دل داشته باشد حتماً شیعه است.

برای اثبات شیعه علیه السلام بودن به چیزی فراتر از این‌ها نیاز داریم. آن چیست؟ پیروی از اهل بیت. لذا وجود نازنین امام صادق علیه السلام در کلامی دربار فرمودند: «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ قَالَ بِلِسَانِهِ وَ خَالَفَنَا فِي أَعْمَالِنَا وَ آثَارِنَا. وَلَكِنْ شِيعَتِنَا مَنْ وَاقَفَنَا بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ اتَّبَعَ آثَارِنَا وَ عَمِلَ بِأَعْمَالِنَا. أُولَئِكَ شِيعَتُنَا!»؛ (کسی که به زبان می‌گوید شیعه است و با اعمال و آثار ما مخالفت می‌کند، از پیروان ما نیست. شیعه‌ ما کسی است که ما را با زبان و قلب همراه باشد و آثار ما را پیروی کند و اعمال ما را انجام دهد. آنان شیعه ما هستند.) آیا ما پیرو مکتب امام حسین علیه السلام هستیم؟

عدم پذیرش ما از ناحیه اهل بیت علیهم السلام

خدا رحمت کند پدر آن سه شهیدی که وقتی به ایشان گفتم خوشا به حالت که سه فرزندت شهید شده‌اند. حتماً عاقبت به خیر خواهید شد؛ این سه فرزند حتماً از شما شفاعت می‌کنند و بدون معطلی وارد بهشت می‌شوند. برگشت و به من گفت: خیر، هیچ هم این‌طور نیست. اگر فردای قیامت همین شهدا به من گفتند که تو با این عملت از ما نیستی، چه کنم؟!

هنگامی که مأمون ولایتعهدی را بر عهده امام رضا علیه السلام گذاشت، خادم حضرت به محضر ایشان رسیدند و عرضه داشتند: «جمعی از مردم پشت در اجازه ملاقات می‌خواهند و می‌گویند ما شیعه علی علیه السلام هستیم. امام رضا علیه السلام به آنان اجازه ملاقات ندادند. آن‌ها هر روز تا دو ماه پشت سرهم آمدند و حضرت اجازه ملاقات ندادند. روز آخر، به خادم گفتند که به امام علیه السلام بگو اگر به دیار خود برگردیم و از ما بپرسند در این دو ماه که در طوس بودید

آیا حضرت را زیارت کردید؛ اگر بگوییم اجازه ملاقات ندادند، آبرو نخواهیم داشت. خادم گفته آن‌ها را به حضرت عرض کرد و حضرت اجازه ملاقات دادند.

بعد از ورود، حضرت به آن‌ها اجازه جلوس ندادند. آن‌ها عرض کردند: ای پسر رسول خدا ما چه کرده‌ایم که شما با ما چنین می‌کنید؟! حضرت فرمودند: شما خود را شیعه علی می‌دانید، در حالی که شیعه علی علیه السلام، امام حسن و امام حسین، ابوذر، سلمان، مقداد، عمار و محمد بن ابی بکر هستند که فرمان‌های حضرت علی را مخالفت نکرده و اموری را که نهی کرده، مرتکب نشده‌اند؛ در حالی که شما در بیشتر اعمالتان با امام مخالفت می‌کنید و در بسیاری از فرایض و در حق برادران دینی‌تان کوتاهی و سستی می‌کنید و در جایی که تقیه واجب است، آن را ترک کرده و در جایی که تقیه واجب نیست، مرتکب می‌شوید. پس اگر بگویید ما دوستدار و محب او و دوستدار دوستان او و دشمن دشمنان او هستیم، من شما را در این گفتارن انکار نمی‌کنم. آن‌ها توبه کردند. سپس حضرت به خادم خود دستور فرمود تا آن‌ها را اکرام کند.^۱

ادای حقوق برادران دینی

آیا شیعه علی علیه السلام بودن ما هم همچون کسانی نیست که به در منزل امام رضا علیه السلام آمدند؟ آیا ما به‌گونه‌ای زندگی کرده‌ایم که فردای قیامت ابی‌عبدالله علیه السلام ما را در زمره پیروانشان بپذیرند؟ آیا در همین مسیر پیاده‌روی اربعین، لوازم و اصول شیعه بودن را رعایت می‌کنیم؟ آیا تمسخر دیگران و حق و حقوق زائران را رعایت نکردن، از شرایط شیعه واقعی است؟ یکی از وظایف مهم شیعه، که اتفاقاً امام رضا علیه السلام هم در گفت‌وگو با آن کسانی که مدعی بودند شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و دست‌رویش گذاشتند، ادای حقوق برادران دینی است. حضرت به آن‌ها فرمودند: «**مُتَّهَاتُونَ بِعَظِيمٍ**



حُقُوقِ إِخْوَانِكُمْ فِي اللَّهِ؛^۱ (شما در ادای حقوق بزرگ برادرانتان، کسانی که اخوت فی الله دارند، کوتاهی می‌کنید.) پس ادعای شیعه بودن علی علیه السلام را نداشته باشید.

ما در مقابل برادران دینی‌مان مسئولیت بسیار سنگین و وظایف مهمی داریم و معمولاً در توجه و انجام این وظایف مهم قصور و کوتاهی داریم. زائرین حسینی! مسئله اخوت و برادری دینی یک جور تعارف و بزرگ‌نمایی نیست، بلکه یک امر بسیار جدی است. این سخن بنده نیست؛ قرآن بین ما اخوت ایجاد کرده و فرموده: **«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ»**^۲ (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید.)

تعامل برادرانه

اگر در جامعه نسبت به هم تعامل برادرانه نداریم، باید در دیدگاه و سلوک و رفتارمان تجدیدنظر کنیم. در جامعه‌ای که بین افراد آن اخوت و برادری حاکم است، می‌بایست این سطح از معرفت وجود داشته باشد که در غم و شادی، در مشکلات و سختی‌ها، در کنار هم قرار گیرند و نسبت به هم احساس و وظیفه و مسئولیت داشته باشند.

خدا بر علو درجات شهید عزیز مهدی باکری بیفزاید که این مرد یک انسان وظیفه‌شناس بود و نسبت به هم‌نوعانش احساس مسئولیت می‌کرد. در خاطراتی که از ایشان آمده، نقل شده است که یک روز باران شدیدی در شهر ارومیه باریده بود و جوی‌ها را لبریز از آب کرده بود. آن زمان مهدی باکری شهردار ارومیه بود. وقتی شهید باکری این وضعیت را دید، تلفن را برداشت و گروه‌های امدادی را خبر کرد.

حجم آب لحظه‌به‌لحظه بیشتر می‌شد و مردم سراسیمه از خانه‌هایشان

۱...همان.

۲...حجرات (۴۹): ۱۰.



بیرون می‌آمدند. شهید باکری متوجه خانه‌ای شد که آب آن را فرا گرفته بود. در حیاط خانه پیرزنی فریاد می‌کشید و کمک می‌خواست. مهدی باکری در را هل داد و باز کرد. آب تا بالای زانو رسیده بود. از پیرزن پرسید که آیا کسی زیر آوار مانده؟ پیرزن بر سر و صورت زان گفت که وسایل خانه و کل زندگی‌اش زیر آوار مانده و آب به زیرزمین رفته است. گویا جهیزیه دخترش که با سختی آن را جمع کرده بود در زیرزمین جامانده و خیس شده بود. مهدی به کمک دوستانش جلوی در، یک سد خاکی درست کردند تا آب بیشتری به داخل خانه نیاید.

شهید باکری به کوجه دوید و وانت آتش‌نشانی را پیدا کرد و به خانه پیرزن آورد. چند لحظه بعد شیلنگ پمپ در زیرزمین فرو رفت و آب مکیده شد. مهدی غرق گل‌ولای شده بود. پس از دقایقی پمپ همهٔ آب زیرزمین را خالی کرد.

پیرزن که حالش بهتر شده بود، شروع کرد به دعا کردن مهدی باکری و گفت: خدا خیرت بدهد پسر! آن شهردار فلان فلان شده کجاست تا کمی از غیرت تو یاد بگیرد؟! تا لحظه‌ای که شهید باکری وسایل را جمع کرد و از خانه بیرون رفت، پیرزن مشغول دعا کردن مهدی و نفرین شهردار ارومیه بود.^۱

خوشا به حال آن شیعیانی که دین را این‌گونه عمیق درک کرده و در زندگی خود به کار می‌بندند.

ان‌شاءالله همان طور که امروز زیر بیرق ابی‌عبدالله علیه‌السلام به‌عنوان یک خانواده جمع شده‌ایم، این برادری و اخوت را به‌عنوان ثمرهٔ این زیارت با خودمان ببریم و از این سفر نورانی معرفت ببریم.

روضه

در سخنرانی از کلام حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام نور گرفتیم؛ اجازه

۱. خاطرهٔ شنیدنی از شهید مهدی باکری و وسیل، دسترسی در: <http://fna.ir/d/8x2v2>



بدهید از زبان مبارک آن حضرت روضه هم بخوانیم. در عبارتی حضرت ثامن الحجج علیه السلام روضه‌ای خواندند و فرمودند: «إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا!» (به خاطر عظمت مصیبت و شهادت جد غریب ما حسین علیه السلام دیدگان ما مجروح شد)؛ یعنی در اثر گریه زیاد پلک چشم‌های ما زخم شد. این مصیبت چقدر سنگین است که امام رضا علیه السلام این تعبیر را به کار بردند! آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: «يَا ابْنَ شَيْبٍ: إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَأَبْك لِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ»؛^۲ (ای پسر شبیب! بر هر چیزی خواستی گریه کنی بر حسین بن علی، جد غریب و مظلوم ما گریه کن.)

شاعر چقدر سوزناک از زبان امام رضا علیه السلام سروده است:

یا ابن الشبیب! درد حسین درد جان فزاست
یا ابن الشبیب! روضه ما داغ پُر بلا است
این گریه‌ها بسیار برای ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام دعا کنیم.

فقط یه گوشه‌ای از این مصیبت اشاره می‌کنم؛ امام باقر علیه السلام فرمودند: «در روز عاشورا از یک جایی به بعد لشکر دشمن گروه گروه وارد گودال قتلگاه می‌شد»؛

چه از دحام عظیمی گرفته دور و برش را
چه محشری که به پامی شود به گودی گودال

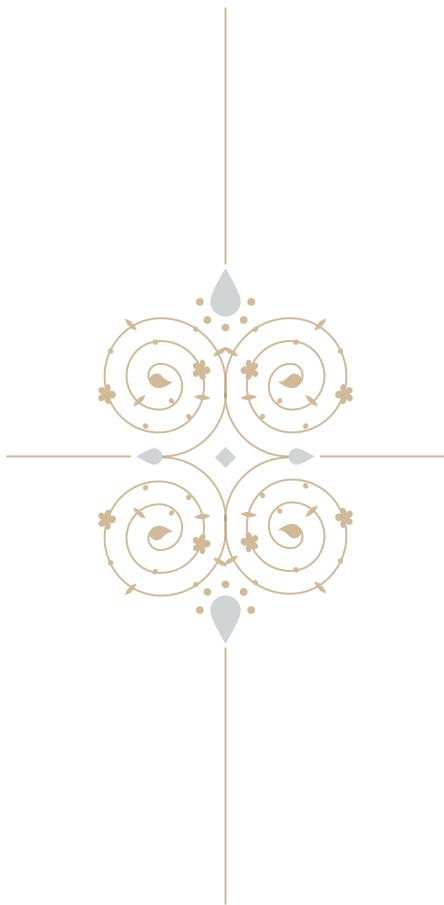
هرکس شمشیر داشت با شمشیر؛ هرکس نیزه داشت با نیزه؛ هرکس تیر داشت در چله کمان گذاشت؛ عده‌ای با چوب و سنگ بر بدن عزیز زهرا حمله ور شدند.

یا الله! به لحظه غربت اباعبدالله الحسین علیه السلام، به مظلومیت اباعبدالله علیه السلام بین گودال قتلگاه، عَجَل لَوْلَيْكَ الْفَرَج.

۱... امالی صدوق، ص ۱۲۸.

۲... عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹.





کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. أبو القاسم الحسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، محقق صفوان عدنان الداودي، چاپ اول، انتشارات دار القلم، بیروت، سال ۱۴۱۲ق.
۳. ایزدی، مجید، تطبیق آتش، چاپ اول، انتشارات نوید شیراز، شیراز، ۱۳۹۸.
۴. جزایری، نعمت الله ابن عبدالله، انوارالنعمانیه، چاپ ۱، موسسه تاریخ علم و فرهنگ، ۱۳۹۵.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آلالبیت علیهم السلام، لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.
۶. خامنه ای، سیدعلی، بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای
۷. سماوی، محمد، إِبصار العین فی أنصار الحسین، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸۴ش.
۸. سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، الاقبال بالامال، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۳.
۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، دارالشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ق.
۱۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۲. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار مع تطبیق النصوص الواردة

- فیهما علی بحار الأنوار، قم، اسوه، بیتا.
١٣. قمی، شیخ عباس، نفسالمهموم، نجف، المكتبه الحیدریه، ١٤٢١ق
١٤. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسہ الوفاء، بیروت، ١٤٠٣ق.
١٥. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ١٣٩٣.
١٦. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، ج١، قم، ١٤١٣ق.
١٧. مقرم، عبدالرزاق، مقتل الحسین، مؤسسة الخرسان للمطبوعات، چاپ ١، ١٤٢٦ق.





حقاً و انصافاً باید گفت حادثه اربعین، این پیاده روی، این حضور همگانی مردم مسلمان، یک پدیده‌ی معجزه‌گون و معجزه‌آسا است. این یک چیز طبیعی نیست. با هیچ ترتیبی، با هیچ تدبیری، با هیچ دستی، با هیچ سیاستی امکان نداشت و امکان ندارد یک چنین حادثه‌ای پیش بیاید؛ این فقط دست خداست.

بیانات امام خامنه‌ای در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی - ۱۴۰۱/۰۶/۲۶



کاری از معاونت پژوهش امیربیان فارس